



روایات جعلی رسانه ملی!

اظهارات نماینده بناب درباره جنگ ۱۲ روزه



ایران را جدی نمی‌گیریم

نصرالله پورجوادی



نفس داروگر برید

قتل خاموش صنایع چگونه اتفاق می‌افتد؟



پایان صابر

مرگ مغزی استعداد والیبال

پیام‌هایی برای مذاکره

سیدعباس عراقچی می‌گوید: می‌توانیم از طریق مذاکره غیرمستقیم با آمریکا به توافق برسیم



یادداشت روز

اختلال ارتباطی؛

مسئله جدی اکنون ما

راهبردهایی برای بازسازی سیاسی و اجتماعی

هادی خانیکی



استاد علوم ارتباطات دانشگاه علامه

در کنار تنگناها، مسایل و حتی بحران‌های درهم تنیده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، ایران اکنون گرفتار مسأله بنیادین‌تری است که کمتر به آن توجه می‌شود: اختلال ارتباطی. این اختلال نه فقط یک مشکل ناظر به افکار عمومی بلکه منشأ بسیاری از بی‌اثری‌ها و ناکارآمدی‌های اجرایی و سوءتفاهم‌های سیاسی و اجتماعی است. حاکمیت و جامعه‌ای که در آن ارتباط‌ها گسسته یا معیوب شده باشند، نمی‌توانند خود را ببینند، بشنوند و درباره سرنوشت خویش گفت‌وگو کنند. در سال‌های اخیر نشانه‌های این اختلال در همه سطوح آشکار شده است. فاصله میان مردم و حکومت افزایش یافته، اعتماد عمومی به نهادها کاهش یافته و گفت‌وگو جای خود را به نابوری، خشم و سوءظن داده است. تصمیم‌گیران گرفتار روزمرگی‌اند و مردم نیز از ناتوانی در بهبود وضع، دچار ناامیدی و سرخوردگی شده‌اند. این وضعیت به معنای تضعیف همبستگی اجتماعی است؛ یعنی فروریختن همان «ما»ی مشترکی که پایه هر جامعه زنده و توسعه‌گراست. اختلال ارتباطی فقط به رسانه‌ها یا شیوه اطلاع‌رسانی محدود نیست. این اختلال در اصل به معنای ناتوانی در گفت‌وگو و ساخت‌یابور و مسأله مشترک است؛ میان حکومت و مردم، میان نخبگان و تصمیم‌سازان و حتی میان گروه‌های مختلف جامعه. وقتی گوش‌ها و زبان‌ها از هم دور می‌شوند حتی نیت‌های خیرخواهانه نیز به سوءتفاهم می‌انجامند. نتیجه آنکه مسائلی چون فقر، دشواری معیشت، مهاجرت، فرسایش سرمایه اجتماعی، بحران محیط زیست و تهدیدهای بیرونی، نه به درستی دیده می‌شوند و نه با اجماع عمومی برای حل آنها چاره‌ای اندیشیده می‌شود. ریشه بسیاری از سیاست‌های نادرست و تصمیم‌های کوتاهمدت نیز در همین ناترازی ارتباطی نهفته است. فقدان گفت‌وگوی واقعی میان سیاست‌گذار و جامعه، سیاست را از عقلانیت و آینده‌نگری تهی می‌کند. وقتی سیاست‌گذار و مجری نمی‌شنوند، مردم نیز دیگر نمی‌خوانند سخن بگویند. این چرخه سکوت و بی‌اعتمادی، خطرناک‌ترین شکل فرسایش اجتماعی است. اما راه برون‌رفت از این وضعیت هم در خود ارتباط نهفته است. گفت‌وگو فقط ابزار حل اختلاف نیست بلکه روش بقای یک جامعه زنده است. اگر بخواهیم از تنگنای کنونی بیرون بیایم باید نظام ارتباطی جامعه و نظام حاکمیت را بازسازی کنیم؛ نه صرفاً در سطح رسانه‌ها بلکه در شیوه حکمرانی، تصمیم‌سازی و مشارکت عمومی. چند راهبرد در این فرآیند درخور توجه است:

- ۱ بازگشت به گفت‌وگوی ملی؛ به رسمیت شناختن تکثر و شنیدن صداهای ناهم‌ساز.
- ۲ اعتمادسازی از طریق شفافیت و پاسخ‌گویی؛ چون اعتماد نتیجه گفت‌وگوی صادقانه است نه وعده‌های تکراری.
- ۳ تقویت نهادهای میانجی مانند دانشگاه‌ها، رسانه‌های مستقل و نهادهای مدنی و احزاب سیاسی که می‌توانند پلی میان جامعه و حکومت باشند.
- ۴ بازنگری در زبان رسمی سیاست؛ زبانی که به جای تهدید و انکار بر همدلی و شنیدن بنا شود.
- ۵ تغییر رویکردهای سیاسی و اجتماعی که منجر به فزاینده‌ی نارضایتی‌ها می‌شوند.
- ۶ مشارکت موثر و ملموس در کاهش رنج‌های زندگی و نگرانی‌های آنان از آینده.

جامعه ایران هنوز سرشار از ظرفیت‌های انسانی و نهادی است. اگر این ظرفیت‌ها به میدان ارتباط بازگردند، می‌توان به بازسازی «تخیل اجتماعی مشترک» امید بست. در این صورت، پرسش بنیادین «ما می‌خواهیم به کجا برویم؟» دوباره به طور همگانی در افکار عمومی زنده خواهد شد. پس اختلال ارتباطی، مسأله جدی اکنون ماست. اگر آن را به رسمیت بشناسیم و به جای انکار به درمانش بپردازیم، می‌تواند آغاز بازسازی اجتماعی و سیاسی ایران باشد؛ آغازی که در آن، تدبیر بار دیگر جای آینده مه‌آلود را بگیرد.

جامعه را امنیتی نکنید

انذار اسکندر مومنی، وزیر کشور در جمع معاونان استانداری‌ها:

نباید پدیده‌های اجتماعی را امنیتی کنیم

باید موضوعات اجتماعی را با سازوکار خودش حل کرد

مردم زمانی در انتخابات مشارکت می‌کنند که جامعه آرام باشد

به همین بهانه سازندگی بررسی می‌کند:

چرا تندروها حتی حجاب را هم

به یک مقوله امنیتی تبدیل می‌کنند؟



عاطفه شمس

گروه سیاسی



وزیر کشور روز گذشته در جمع معاونان سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری‌های سراسر کشور تأکید کرد که «نباید پدیده‌های اجتماعی را امنیتی کنیم» و هشدار داد که آرامش جامعه پیش‌شرط مشارکت مردم در انتخابات است. اظهاراتی که بار دیگر یکی از مهم‌ترین مسائل ساختاری حکمرانی در ایران را یادآوری کرد؛ اینکه چرا هر پدیده‌ای از حجاب و اعتراض صنفی گرفته تا اختلافات سیاسی و حتی تصمیم‌های اقتصادی به سرعت از دایره اجتماعی و مدنی خارج شده و در حوزه امنیتی تعریف می‌شود. روندی که نه‌تنها کارآمدی سیاست‌گذاری را کاهش می‌دهد بلکه باعث بی‌اعتمادی عمومی، کاهش مشارکت سیاسی و از میان رفتن احساس امنیت روانی در جامعه می‌شود. اسکندر مومنی تأکید کرد: «نباید پدیده‌های اجتماعی را امنیتی کنیم بلکه باید با سازوکار خودش موضوعات اجتماعی را حل کرد. مردم زمانی در انتخابات مشارکت می‌کنند که جامعه آرام باشد». سخنان وزیر کشور هرچند به مسائل روز کشور و فضای پیش‌رو در آستانه انتخابات مجلس و ریاست‌جمهوری اشاره دارد اما از یک واقعیت پسرده برمی‌دارد؛ اینکه حتی در بالاترین سطوح تصمیم‌گیری کشور خطر امنیتی شدن مسائل اجتماعی به‌عنوان یک تهدید شناخته شده است.

ادامه در صفحه ۲





سال هشتم شماره ۲۱۰۲
یک‌شنبه ۱۱ آبان ۱۴۰۴



بررسی رویدادهای سیاسی

دیدگاه: یادداشت سیاسی

مرز باریک تصمیم

فرصتی کوتاه برای بازتعریف نقش ایران
در نظم نوین جهانی



مهدی علی‌آبادی

فعال سیاسی

جهان در حال بازچینی قدرت است اما نه با هیاهوی جنگ‌های بزرگ بلکه با فرسایش آرام و پرنامریزی شده قدرت‌ها. در شرق اروپا، روسیه گرفتار میدان اوکراین است؛ جنگی که نه پیروزی در آن روشن است و نه پایانش. در شرق آسیا، چین و آمریکا، دو رقیب ظاهری، در واقع در چارچوبی واحد بازی می‌کنند: چارچوبی که هدفش، کنترل موازنه و جلوگیری از ظهور بازیگران مستقل است. هر دو در پی آن هستند که رقیبشان در زمین سوم فرسوده شود؛ زمینی که از اوکراین تا خاورمیانه کشیده شده است. در این میان، ما بخشی از همین زمین هستیم؛ نه در مرکز تصمیم بلکه در میدان تأثیر.

برخی معتقدند، سیاست جهانی امروز ما بر پایه «تأخیر در فروپاشی» بنا شده است. قدرت‌ها نمی‌جنگند تا پیروز شوند بلکه تا زمانی ادامه می‌دهند که طرف مقابل درگیر بماند. در این منطق جدید هر کشوری که تصمیم نگیرد، حذف می‌شود؛ نه به‌دست دشمن بلکه به‌دست بی‌عملی خود.

ما در ایران، در مرزی باریک میان تصمیم و ترس ایستاده‌ایم، میان عقل و تردید. ترس از تصمیم، به مرور به بخشی از ساختار سیاسی ما تبدیل شده است. سیاست در ایران سال‌هاست که میان اراده و احتیاط در نوسان است. هر تصمیم بزرگ، پیش از آنکه سنجیده شود، متهم می‌شود؛ هر ابتکار تازه پیش از آنکه زاده شود، مشکوک تلقی می‌شود. در چنین فضایی، سکوت گاهی به سیاست تبدیل می‌شود و تصمیم نگرفتن به خودی خود تصمیمی خطرناک است. اما باید پذیرفت که سیاست خارجی، بازتاب مستقیم وضعیت داخلی است.

جامعه ایران با همه فشارها، هنوز زنده است؛ هنوز به تغییر امید دارد، اگر احساس کند در محاسبات قدرت دیده می‌شود. در جهانی که تهدیدها مرز نمی‌شناسند، جامعه آخرین سپر ملی ماست. اگر این سپر فرسوده شود هیچ دیپلماسی و هیچ قدرتی، قادر به دفاع نخواهد بود. پس هر تصمیم بیرونی، بدون ترمیم پیوندهای درونی، به فرسایش بیشتر می‌انجامد.

در این شرایط، دیگران در غیاب ما قواعد جدید را می‌نویسند. عربستان مسیر خود را تغییر داده و از تهدید به توازن رسیده است. ترکیه میان شرق و غرب می‌چرخد اما در هر دو سو حضور دارد. مصر، با همه ضعف‌هایش در بزرگ‌ها حاضر است. ما اما پیش از دو دهه است که در وضعیت «انتظار» مانده‌ایم؛ نه حاضر، نه غایب؛ نه شریک، نه بی‌طرف و این یعنی، آرام آرام از دایره بازیگران اصلی خارج شدن.

جهان امروز برای ما فرصت محدودی باقی گذاشته است. فرصتی برای بازتعریف نقش ایران در نظم جدید، نه از طریق تقابل بلکه از مسیر ابتکار عقلانی. این ابتکار می‌تواند از همکاری‌های اقتصادی و انرژی آغاز شود؛ از بازسازی روابط منطقه‌ای تا بازاریابی اعتماد جهانی. اما همه اینها نیازمند یک گام نخست است: تصمیم. مرز باریک تصمیم، همین جاست: میان انفعال و کنش، میان تردید و امید. اگر از این مرز بگذریم شاید بتوانیم دوباره جای خود را در معادله قدرت جهانی باز کنیم اما اگر در تردید بمانیم، دیگران برایمان تصمیم خواهند گرفت و آن‌گاه دیر خواهد بود.

كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ

هم‌اندیش ارجمند

جناب آقای سیامک سلیمانی

دبیراول محترم استان چهارمحال‌و‌بختیاری
حزب کارگزاران سازندگی ایران

مراتب تسلیت ما را در فقدان خواهر گرمی‌تان پذیرا باشید. روحشان قرین رحمت واسعه الهی و خلد برین سرائشان باد.

روابط عمومی حزب کارگزاران سازندگی ایران

ادامه تیتیر یک

جامعه را امنیتی نکنید



رخ داد. در ماجرای برکناری عبدالناصر همتی از وزارت اقتصاد، گروهی از نمایندگان و فعالان سیاسی با ادبیات ضدسیستم و تهدیدآمیز علیه او صحبت کردند و مدعی شدند که با رفتن همتی، اوضاع اقتصادی سامان می‌یابد اما در عمل، نه‌تنها وضعیت بهبود نیافت بلکه تورم و بی‌ثباتی افزایش پیدا کرد. دلیل اصلی آن هم



این بود که باز هم به‌جای تحلیل کارشناسی، برخورد سیاسی و فشارهای بیرونی تعیین‌کننده بودند. در همه این موارد هم نه‌تنها مساله حل نشد بلکه به انباشت نارضایتی و افزایش شکاف دولت-ملت منجر شد.

امنیتی‌سازی با هدف انحصار قدرت

آنچه مسلم است، اصرار بر امنیتی‌سازی موضوعی مانند حجاب اتفاقی نیست. مهم‌ترین دلیل امنیتی‌سازی پدیده‌ها در ایران را شاید بتوان مرتبط با منافع گروه‌هایی دانست که از این فضای امنیتی سود می‌برند. این گروه‌ها-چه در درون نهادهای رسمی و چه در حاشیه قدرت- از تداوم تنش، بحران و بی‌اعتمادی اجتماعی بهره می‌برند چون هرچه فضا ملتهب‌تر باشد، نظارت و نقد کمتر می‌شود. بنابراین با متشنج کردن فضای جامعه و بزرگ‌نمایی تهدیدها عملاً به بازتولید گفتمان امنیتی کمک می‌کنند. این گروه‌ها که معمولاً در مرز میان سیاست و رسانه فعال‌اند با بزرگ‌نمایی تهدیدها، فضای کشور را در حالت اضطراب دائمی نگه می‌دارند. در این فضا، نقد و گفت‌وگو جایش را به ترس و احتیاط می‌دهد. مردم نمی‌توانند آزادانه حرف بزنند و تصمیم‌گیران هم از شفافیت دور می‌شوند. نتیجه هم این است که این گروه‌ها همچنان نقش «نگهبان امنیت» را برای خود حفظ می‌کنند و در عین حال تلاش می‌کنند تا حد امکان، رقبای سیاسی‌شان را تضعیف کنند. در واقع، امنیتی‌سازی از سوی این گروه‌ها با هدف حفظ امنیت مردم صورت نمی‌گیرد بلکه برای حفظ انحصار قدرت است چراکه از نگاه آنها جامعه مطالبه‌گر، خطرناک‌تر از جامعه‌ای ساکت اما نگران است.

امنیت یا کنترل؟

وضعیت موجود نشان می‌دهد که در حال حاضر معنای امنیت در گفتمان رسمی کشور تغییر پیدا کرده و امنیتی که در معنای حقیقی خود باید تضمین‌کننده آرامش روانی، رفاه اقتصادی و آزادی‌های مدنی باشد؛ در عمل اغلب به «کنترل» تعبیر می‌شود. این در حالی است که جامعه امروز ایران بیش از هر زمان دیگر، نیازمند امنیت اجتماعی و اعتماد متقابل است، نه کنترل. وزیر کشور نیز در سخنان خود به درستی از ضرورت آرامش برای مشارکت مردم در انتخابات گفت چراکه فضای امنیتی در ذات خود اعتمادزایی می‌کند. جامعه‌ای که حس کند همه چیز تحت مراقبت است کمتر تمایل به حضور و ابراز نظر دارد. تجربه انتخابات‌های اخیر هم همین را نشان می‌دهد: هر جا فضا بازتر و آرام‌تر بوده، میزان مشارکت افزایش یافته و هر زمان کنترل و نظارت سختگیرانه بر جامعه حاکم شده، صندوق‌ها خلوت‌تر بوده‌اند.

امنیتی دیدن مسائل اجتماعی برای کشور، هزینه‌های زیادی دارد. مهم‌ترین هزینه آن، کاهش اعتماد عمومی است. جامعه‌ای که هر نقدی را تهدید تلقی کند به‌تدریج از گفت‌وگو دور می‌شود و نارضایتی در زیر پوست آن می‌ماند. هزینه دیگر، تضعیف نهادهای مدنی و کارشناسی است. وقتی جای دانشگاه، رسانه و حزب را تئوری‌ها و شورا‌های امنیتی می‌گیرد، تصمیم‌ها ضعیف و بحران‌ها مزمن می‌شوند و در نهایت، بی‌اعتمادی سیاسی شکل می‌گیرد. در نتیجه مردمی که احساس می‌کنند در فضای ناامن حرف می‌زنند، در انتخابات هم شرکت نمی‌کنند.

نیاز به تغییر پارادایم

سؤال مهم این است که اگر دولت با امنیتی شدن جامعه مخالف است چرا با کسانی که حامدانه این فضا را ایجاد می‌کنند، برخورد نمی‌شود؟ پاسخ را شاید بتوان در ساختار پیچیده قدرت پیدا کرد. بعضی افراد و نهادها که در حوزه تصمیم‌گیری یا رسانه نفوذ دارند، امنیتی‌سازی را نه انحراف بلکه ابزار قدرت می‌دانند. اما تداوم این نگاه در بلندمدت نه‌تنها ثبات سیاسی را تقویت نمی‌کند بلکه اساس مشروعیت را فرسوده می‌سازد. بنابراین تأکید وزیر کشور بر پرهیز از امنیتی‌سازی اگرچه گامی مثبت است اما کافی نیست. تا زمانی که در سطوح مختلف حاکمیت، پارادایم مواجهه با جامعه و نیز مواجهه با گروه‌های تندرو که هر پدیده اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی را به موضوعات امنیتی بدل می‌کنند، تغییر نکند این چرخه ادامه خواهد داشت. در شرایطی که کشور در آستانه انتخابات و درگیر چالش‌های اقتصادی و اجتماعی است، بازگرداندن اعتماد عمومی به‌مراتب مهم‌تر از هر اقدام تبلیغاتی است. این اعتماد نیز فقط زمانی شکل می‌گیرد که گروه‌های تندرو مهار شوند و مردم باور کنند، حکومت به جای مدیریت با نگاه امنیتی در پی حل مساله با نگاه اجتماعی است.

روایات جعلی رسانه ملی!

نماینده بناب: نه جنگنده‌ای زدیم، نه خلبانی گرفتیم و نه کارخانه‌ای کشف شد

رسانه‌های داخلی نیز نشان داد که هیچ‌یک از ادعاهای مطرح شده درباره اسارت خلبانان یا وجود کارخانه پهپادسازی مستند نبوده است. حتی برخی تحلیلگران نظامی در گفت‌وگو با رسانه‌ها یادآور شدند که ساقط کردن جنگنده اف-۳۵ با فناوری پنهان‌کار (استیلت) بدون ارائه شواهد فنی تقریباً غیرممکن است. حالا هم یک نماینده مجلس از همان جناح سیاسی در نقدی بر عملکرد صداوسیما می‌گوید: «نباید هر کس صدایش بلندتر بود، امتیاز بیشتری بگیرد. رسانه باید بر اساس حقیقت عمل کند نه هیجان». در پایان، نماینده بناب تأکید کرده است که پیگیر پاسخگویی مسئولان صداوسیما خواهد بود و گفته: «مجموعه‌هایی که با انگیزه‌های نامعلوم، خبرهای جعلی منتشر می‌کنند باید پاسخگو باشند».

نقد محمد باقری از آن جهت اهمیت دارد که از درون ساختار قدرت بیان شده است. او نه مخالف سیاسی دولت است و نه از جریان‌های رسانه‌ای منتقد نظام. همین امر نشان می‌دهد، نگرانی درباره کاهش اعتبار رسانه ملی دیگر محدود به مخالفان نیست بلکه بخشی از بدنه اصولگرایی مجلس نیز از پیامدهای آن نگران شده‌اند. چراکه در شرایطی که خبرهای رسمی تنها منبع اطلاع‌رسانی درباره مسائل امنیتی و نظامی‌اند، انتشار گزارش‌های غیرواقعی از رسانه ملی، ولو به نیت تقویت روحیه جامعه، به بی‌اعتباری کل نظام رسانه‌ای منتهی می‌شود.

جنس وجود ندارد. باید مشخص شود آن کارخانه ادعایی کجا بوده است و چه کسانی با چه انگیزه‌ای این اخبار را منتشر کردند؟ در روزهای نخست درگیری، صداوسیما تصویری از لاشه یک جنگنده منتشر کرد و آن را به‌عنوان «اف-۳۵ ساقط شده اسرائیل» معرفی کرد. با این حال، بررسی‌ها نشان داد تصویر مربوط به حادثه‌ای قدیمی در سوریه بوده و ارتباطی با ایران نداشت. برخی رسانه‌های مستقل هم با استناد به منابع خارجی اعلام کردند هیچ گزارش رسمی از سقوط جنگنده اف-۳۵ منتشر نشده و مقامات اسرائیلی نیز چنین موضوعی را تأیید نکرده‌اند.

چند روز بعد، رسانه ملی در موضعی متناقض، همان خبر را به «دروغ‌رذای دشمن» نسبت داد و مدعی شد، شبکه‌های بیگانه خبر «ساقط شدن اف-۳۵» را از قول صداوسیما جعل کرده‌اند. اما بازپخش فیلم‌ها و تیرهای اولیه نشان می‌داد که خبر از شبکه‌های رسمی صداوسیما منتشر شده بود. تغییر موضعی که واکنش‌ها و انتقادات زیادی را در فضای مجازی به دنبال داشت. موضوع اما تنها به ادعای سرنگونی جنگنده محدود نماند. در همان بازه خبرهایی درباره «دستگیری گسترده جاسوسان» و «کشف کارخانه پهپادسازی وابسته به اسرائیل» از سوی برخی بخش‌های خبری صداوسیما پخش شد؛ اخباری که هیچ‌گاه از سوی وزارت اطلاعات، سپاه یا ارتش تأیید رسمی پیدا نکرد. بررسی‌های انجام شده توسط

گروه سیاسی: در روزهایی که اخبار جنگ ۱۲ روزه سرخط رسانه‌ها بود، صداوسیما مجموعه‌ای از گزارش‌ها و تصاویر را منتشر کرد که به اقتضای شرایط به‌سرعت در فضای مجازی نیز دست‌به‌دست شد. در همان روزها، صداوسیما مدعی شد چند جنگنده اف-۳۵ اسرائیلی در جریان درگیری‌ها ساقط شده و خلبانان آنها نیز دستگیر شده‌اند. همزمان، گزارش‌هایی درباره کشف «کارخانه پهپادسازی دشمن» و دستگیری صدها «جاسوس وابسته» پخش شد. اما اکنون یکی از نمایندگان اصولگرایی مجلس این روایت‌ها را صریحاً «دروغ» خوانده و خواستار پاسخگویی رسانه ملی شده است. محمد باقری، نماینده بناب در مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون اقتصادی در گفت‌وگو با رسانه تصویری «آوش» گفته است: «نه اف-۳۵ زدم، نه خلبان گرفتم و نه کارخانه پهپادسازی کشف کردیم؛ همه‌اش دروغ‌های صداوسیما بود». او در بخش دیگری از اظهاراتش افزود: «گفته شد ۶۰۰ یا هزار نفر دستگیر شده‌اند، درحالی‌که واقعیت نداشت. چنین حجمی از جاسوسی در کشور وجود نداشت».

باقری تأکید کرده که «صداوسیما نباید خبرهای دروغ و شایعه پخش کند» و باید انتشار اخبار حساس را به تأیید رسمی نهادهای ذی‌ربط موکول کند. او با اشاره به نبود هیچ «کارخانه پهپادسازی» در داخل کشور گفته است: «من می‌دانم هیچ کارخانه‌ای از این

پیام‌هایی برای مذاکره

وزیر خارجه ایران می‌گوید

از طریق مذاکره غیرمستقیم با آمریکا می‌توانیم به توافق برسیم



سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران در گفت‌وگو با شبکه الجزیره گفت: برای هر احتمالی آماده هستیم و انتظار هرگونه رفتار خصمانه از سوی اسرائیل را داریم. وی تأکید کرد: ما در تمامی سطوح بیشترین آمادگی را داریم و اسرائیل در هرگونه جنگ در آینده شکست دیگری متحمل خواهد شد. در جنگ اخیر تجربه بزرگی کسب کردیم و موشک‌هایمان را در یک نبرد واقعی آزمایش کردیم. اگر اسرائیل اقدام به رفتار خصمانه کند، نتایجش برای او بد خواهد بود. عراقچی تأکید کرد: اسرائیل با هدف قرار دادن تأسیسات نفتی ما تلاش کرد، دایره جنگ در منطقه را گسترش دهد. ما توانستیم جنگ با اسرائیل را به خوبی مدیریت کنیم و مانع گسترش آن در منطقه شدیم.

وزیر خارجه افزود: رژیم اسرائیل بدون چراغ سبز آمریکا به ایران حمله نمی‌کرد. نتایج‌هاو جنایتکار جنگی است و ثابت کرد که دشمن واقعی منطقه، رژیم اسرائیل است.

وی در بخش دیگری گفت: آمادگی داریم که برای برطرف کردن نگرانی‌ها در مورد برنامه هسته‌ای مذاکره کنیم و نسبت به مسالمت‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای خود اطمینان داریم. امکان رسیدن به توافق عادلانه وجود دارد اما واشنگتن شروط غیرقابل پذیرش وضع کرد. وزیر خارجه تأکید کرد:

خود را علیه ایران به راه انداخت، ایران در میانه مذاکرات بود و این خیانت آشکاری علیه روند مذاکره بود. معاون سیاسی وزیر خارجه ایران عنوان کرد: ما بر لزوم این امر تأکید کردیم که باید مذاکره سازنده باشد و نتایج آن از قبل تعیین نشده باشد؛ بلکه نتایج در گرو روند مذاکرات و روحیه همکاری میان طرف‌ها باشد. این در حالی است که وزیر خارجه عمان به تازگی از ایران و آمریکا خواست تا به میز مذاکره بازگردند.

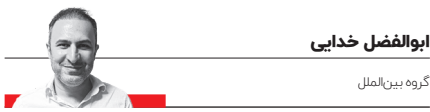
پیش‌تر اسماعیل یقایی، سخنگوی وزارت خارجه در واکنش به ادعای استیو ویتکاف مبنی بر دریافت تماس از سوی ایران گفت: تماس‌های با واسطه بین ایران و طرف‌های مقابل کم‌وبیش در این روزها مثل قبل وجود داشته است و واسطه‌ها پیام‌هایی بین ما و آنها تبادل کرده‌اند.

سازنده‌ای با محمد عبدالسلام، نماینده جنبش انصارالله و هانس گروندبرگ، فرستاده ویژه سازمان ملل در امور یمن داشتیم». وی اظهار کرد که پرونده هسته‌ای جزو مسائلی بود که درخصوص آنها با طرف عمانی گفت‌وگو شد و ایران موضع صریح خود را در این خصوص بیان کرده است. تخت‌روانچی همچنین در کنفرانسی خبری اعلام کرد که دولت آمریکا، آمادگی برای مذاکره بر اساس اصل برابری را نشان نمی‌دهد که این مسأله ایران را وادار می‌کند که هیچ توجهی برای ادامه مذاکرات در سایه شرایط کنونی نبیند. وی با بیان اینکه هرگونه روند مذاکره باید به نتایج دارای توازن برای دو طرف بینجامد، تصریح کرد، مذاکراتی که نتایج آن از قبل مشخص شده باشد، معنایی ندارد. تخت‌روانچی خاطرنشان کرد، متأسفانه زمانی که اسرائیل جنگ

آفریقا

در آتش دو ژنرال

تراژدی دردناک دارفور تکرار شد



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

بحران کنونی سودان که از آوریل ۲۰۲۳ با شعله‌ور شدن جنگ میان نیروهای مسلح سودان و شبه‌نظامیان پشتیبانی سریع آغاز شد، در واقع نقطه انفجار تاریخی از دهه‌ها بی‌عدالتی سیاسی، نابرابری اقتصادی و سوءاستفاده از هویت قومی است. کشوری که پس از سقوط عمرالبشیر در سال ۲۰۱۹ آمیدی کوتاه به گذار دموکراتیک یافته بود، بار دیگر در دایره‌ای از خشونت و ویرانی گرفتار شد. امروز ویرانه‌های خارطوم و صحنه‌های خونین دارفور یادآور همان گذشته‌ای است که سودان می‌کوشید از آن عبور کند. در ظاهر، جرقه جنگ از اختلاف بر سر ادغام نیروهای پشتیبانی سریع در ارتش رسمی و انتقال قدرت به دولت غیرنظامی زده شد اما در عمق ماجرا، نبردی تمام‌عیار بر سر قدرت میان دو چهره‌ای جریان دارد که هر دو در کودتای ۲۰۲۱ علیه دولت غیرنظامی عبدالله حمدوک نقش داشتند. ژنرال عبدالفتاح البرهان، فرمانده ارتش و محمد حمدان دقلو، معروف به حمیدتی، رهبر نیروهای پشتیبانی سریع. این دو متحد دیروز اکنون دشمنان مرگباری شده‌اند که کشورشان را به میدان نبردی بی‌پایان بدل کرده‌اند.

آتش درگیری از پایتخت، خارطوم، زیانه کشید و به سرعت به سراسر کشور سرایت کرد. محله‌های پرجمعیت به ویرانه بدل شدند، زیرساخت‌های حیاتی از میان رفت و میلیون‌ها نفر از خانه‌های خود گریختند. اما قلب تراژدی در غرب سودان می‌تپد، در دارفور، جایی که زخم‌های کهنه بار دیگر گشوده شده است. منطقه‌ای که از دو دهه پیش با نام جنجود و پاک‌سازی‌های قومی گره خورده بود اکنون بار دیگر شاهد همان الگوهای خشونت است، تنها با نامی تازه و ابعادی گسترده‌تر.

در شهرهای الجنبه و الفاشر، نبرد رنگی آشکارا قومی به خود گرفته و گزارش‌هایی از قتل‌عام و جنایات احتمالی علیه بشریت منتشر شده است. برای فهم ریشه‌های این جنگ باید به گذشته بازگشت، به زمانی که دولت‌های متوالی در خارطوم سیاستی تبعیض‌آمیز را در پیش گرفتند و قبایل عرب کوچ‌نشین را بر کشاورزان غیرعرب ترجیح دادند. این تبعیض قومی در کنار فقر، خشکسالی و رقابت بر سر منابع محدود، زمینه را

برای شکل‌گیری خصومت‌های عمیق فراهم کرد. زمانی که دولت مرکزی برای سرکوب ناراضیاتی‌ها، قبایل عرب را مسلح کرد، در واقع بذر جنگی را کاشت که اکنون به درختی از خون و نفرت بدل شده است. از دل همین روند بود که نیروهای جنجود و بعدها RSF متولد شدند؛ نیرویی که ابتدا بازوی قدرت در دارفور بود اما به تدریج به بازگیری مستقل و جاه‌طلب در عرصه ملی تبدیل شد.

با سقوط عمرالبشیر، نیروهای پشتیبانی سریع خود را صاحب نفوذ سیاسی و اقتصادی یافتند و از کنترل دولت خارج شدند. اختلاف بر سر ادغام این نیروها در ارتش که قرار بود، گامی در مسیر اصلاح ساختار نظامی باشد به جرقه‌ای برای جنگ تمام‌عیار بدل شد. پیامد آن، فاجعه‌ای انسانی و فروپاشی زیرساخت‌های کشور بود. نظام بهداشت عمومی سودان در هم شکسته، بیمارستان‌ها تعطیل شده و کمبود دارو، سوخت و آب، زندگی را به کابوس بدل کرده است. خطوط امدادسانی قطع شده و نیروهای درگیر با مصادره کمک‌های



انسانی، میلیون‌ها نفر را در آستانه قحطی قرار داده‌اند. سقوط شهر و مدنی در ایالت الجزیره در اواخر ۲۰۲۳ نقطه عطفی در این فاجعه بود؛ نیم میلیون نفر دیگر آواره شدند و شریان حیاتی کمک‌رسانی به مرکز کشور از کار افتاد.

اهمیت دارفور فقط در بعد انسانی خلاصه نمی‌شود. این منطقه حدود یک‌چهارم مساحت سودان را در بر می‌گیرد و مرز مشترک با چاد، لیبی، سودان جنوبی و جمهوری آفریقای مرکزی دارد؛ موقعیتی که آن را به گره‌گاهی ژئوپلیتیک تبدیل کرده است. دارفور از نظر اقتصادی نیز حیاتی است؛ بخش بزرگی از دام، معادن و زمین‌های کشاورزی حاصلخیز سودان

در این منطقه قرار دارد. از همین رو تصرف شهر الفاشر در اکتبر ۲۰۲۵ توسط نیروهای حمیدتی، نقطه عطفی تعیین‌کننده بود. پس از ۱۸ ماه نبرد بی‌وقفه RSF موفق شد، آخرین مواضع ارتش در دارفور را در هم بشکند. با سقوط الفاشر، حمیدتی عملاً کنترل سراسر غرب سودان را به دست گرفت و توازن قوا را به نفع خود تغییر داد. اکنون او فرمانروای غیررسمی بخش‌های وسیعی از کشور است، در حالی که ارتش کنترل شمال، شرق و بندر استراتژیک پورتسودان را حفظ کرده است.

تشکیل دولت موقت دارفور توسط RSF در نیلا نشانه‌ای از عمیق‌تر شدن شکاف سیاسی در کشور بود. تحلیلگران معتقدند، سودان عملاً به دو بخش تقسیم شده است: یکی تحت حاکمیت البرهان در شمال و دیگری زیر نفوذ حمیدتی در غرب. این وضعیت یادآور روزهای پیش از جدایی سودان جنوبی در سال ۲۰۱۱ است با این تفاوت که اکنون خطوط جدایی نه بر اساس مرزهای جغرافیایی بلکه بر پایه وفاداری‌های نظامی و قومیتی شکل گرفته‌اند.

آینده سیاسی سودان در چنین شرایطی، تیره‌تر از همیشه به نظر می‌رسد. مذاکرات صلح، از گفت‌وگوهای جده تا مینجی‌گری اتحادیه آفریقا، همگی ناکام مانده‌اند. دلیل اصلی شکست این تلاش‌ها، دخالت و حمایت خارجی از طرفین است. گزارش‌های متعددی از نقش امارات در پشتیبانی مالی و تسلیحاتی از RSF منتشر شده هرچند ابوظبلی این اتهامات را رد کرده است. در مقابل، مصر آشکارا از ارتش حمایت می‌کند و برخی منابع از همکاری روسیه برای حفظ نفوذ خود در دریای سرخ و معادن سودان سخن می‌گویند. با تداوم جنگ و بن‌بست سیاسی، خطر فروپاشی کامل سودان بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. کارشناسان هشدار می‌دهند که اگر روند کنونی ادامه یابد، کشور ممکن است به‌طور عملی تجزیه و نقشه سیاسی آفریقا بار دیگر دستخوش تغییر شود. تازمانی که دو ژنرال درگیر در این جنگ خونین حاضر به مصالحه نباشند و قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی، منافع خود را بر صلح ترجیح دهند، سودان آینده‌ای روشن ندارد. کشوری که روزی قلب آفریقا خوانده می‌شد اکنون در سکوت و بی‌تفاوتی جهانیان به سوی خاموشی می‌رود؛ خاموشی ملتی که قربانی جاده‌طلبی مردانی شد که سودای قدرت را بر ویرانه‌های سرزمین خود جست‌وجو می‌کنند.

آمریکا

درخواست حمله به ونزوئلا!

برنده صلح نوبل جنگ طلب شد

«ماریا کورینا ماچادو» رهبر مخالفان ونزوئلا که به تازگی برنده جایزه صلح نوبل شده است در اظهاراتی از اقدامات اخیر «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا در انجام حملات غیرقانونی به قایق‌هایی در کارائیب که او ادعا می‌کند حامل مواد مخدر هستند، دفاع کرد.

او گفت: ما سال‌ها از جامعه بین‌المللی خواسته‌ایم، منابعی که از قاچاق مواد مخدر و سایر فعالیت‌های مجرمانه حاصل می‌شود را قطع کند. بالاخره این اتفاق در حال روی دادن است.

ماچادو که با برنامه پادکست بلومبرگ گفت‌وگو می‌کرد، در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه «آیا مرگ‌های ناشی از حملات به قایق‌های قاچاق مواد مخدر موجه بوده یا خیر» گفت: مسئله نجات جان انسان‌هاست. «نیکولاس مادورو» (رئیس‌جمهور ونزوئلا) کاملاً هوشیار است و به او هشدار داده شده که چه کاری انجام ندهد. وی در ادامه بدون اشاره به نقش مستقیم آمریکا در مرگ‌ومیر ناشی از این حملات، مسئولیت آن را بر عهده نیکولاس مادورو دانست و افزود: او و بقیه کارتل‌های مواد مخدر در قدرت در ونزوئلا باید این فعالیت‌ها را متوقف کنند تا از مرگ‌های بیشتر جلوگیری شود.

ماچادو در بخش دیگری از این گفت‌وگو خاطرنشان کرد که با چندین مقام دولتی ایالات متحده از جمله «مارکو روبیو» وزیر امور خارجه در تماس بوده است. او در پاسخ به سوالی در مورد حقوق دادرسی کسانی که در حملات قایق‌های آمریکایی کشته شده‌اند، گفت که «جنگی بسیار بی‌رحمانه» در جریان است.

او مدعی شد: مادورو یک دیکتاتور متعارف نیست. ما با یک ساختار تروریسم مواد مخدر روبه‌رو هستیم که قلمرو ونزوئلا، منابع ونزوئلا و نهادهای ونزوئلا را به فعالیت‌های یک کارتل جنایتکار تبدیل کرده است.

رهبر مخالفان ونزوئلا در ادامه صحبت‌های خود علیه مادورو تأکید کرد که «فقط گزینه نظامی می‌تواند، مادورو را برکنار کند. افزایش فشار و تشدید که صورت گرفته، تنها راه برای وادار کردن مادورو به درک این است که زمان رفتن (کناره‌گیری از قدرت) فرا رسیده است.



ویرتین: تازه‌های نشر

یک خاکستری روشن

یادداشتی بر رمان **ستارهٔ لیلا** نوشتهٔ یاسمن خلیلی‌فرد



نازی وحدانی

منتقد ادبی

یاسمن خلیلی‌فرد، نویسندهٔ جوانی است که فعالیت خود را به‌عنوان منتقد سینما از دوران نوجوانی آغاز کرد و نخستین داستان بلندش، «یادت نرود که...» (نشر چشمه) را در سال ۱۳۹۴ منتشر کرد و پس از آن ۶ اثر دیگر از او منتشر شد که «ستارهٔ لیلا» هفتمین آنهاست. آثار خلیلی‌فرد به واسطهٔ سابقهٔ سینمایی و تحصیلات او که کارشناسی ارشد کارگردانی سینماست بسیار تصویری‌اند و حتی به لحاظ نوع تَر و نگارش بی‌شباهت به فیلم‌نامه‌نویسند.

هفتمین کتاب یاسمن خلیلی‌فرد که نشر چشمه آن را منتشر کرده است، خوش‌خوان و روان است. موضوع و فضای آن با داستان‌های قبلی‌اش متفاوت است و این بار نویسنده به سراغ سوژه‌ای جدید و کمتر پرداخته شده، رفته است که تم جنایی–معاملی دارد. داستان شروع جالبی دارد و خواننده را از همان نقطه آغازین با خود همراه می‌کند. در واقع نویسنده برای شروع کارش دست به مقدمه‌چینی بیهوده نمی‌زند، آسمان و ریمان نمی‌بافد و از اطناب جلوگیری می‌کند. به عبارتی مستقیماً سر اصل مطلب می‌رود. خلیلی‌فرد در «ستارهٔ لیلا» که طرح جلد بسیار متفاوت و جالبی(به لحاظ محتوایی و ارتباطش با داستان) هم دارد، قالب روایی متفاوتی را برگزیده است. کتاب از فصل‌های مختلف و اغلب کوتاه تشکیل شده و قصه به شکلی سیپال در ذهن آدم‌ها پیش می‌رود. رفت و برگشت‌های زمانی داستان مکرراً تکرار می‌شود و گره و معمای آن به واسطهٔ همین رفت و آمدهای زمانی شکل گرفته و گشوده می‌شود و تا پایان نیز مخاطب را با خود همراه می‌کند چراکه تعلیق در روایت شکسته نمی‌شود. شخصیت‌ها و رویدادهای داستان به شکل مداومی در برابر خواننده پوست می‌اندازند، گویی ویران شده و از نو ساخته می‌شوند. هر فصل از یطن فصل ماقبل خود متولد می‌شود و شکل می‌گیرد و شخصیت‌ها در هر فصل دچار تحولی تازه شده و تغییر می‌کنند زیراکه اساساً با داستانی سراسرت با روایت کلاسیک طرف نیستیم. واگو به‌های عقیق به عنوان شخصیت اصلی داستان، روایت‌های حال و گذشته را در معرض خوانش قرار می‌دهد و جدال‌های درونی و بیرونی کاراکتر را در مواجهه با خود و دیگر شخصیت‌های داستان شکل می‌دهد. در رمان اول خلیلی‌فرد هم یکی از کاراکترهای کلیدی، پزشک بود و در این داستان نیز عقیق بدخشانفر شخصیت کلیدی داستان، جراح زنان و زایمان است اما این دو زن به لحاظ اتفاقاتی که با آن مواجه می‌شوند، رویدادهایی که در زندگی‌شان رخ می‌دهد و تیپ شخصیتی، درونیات و روحیات‌شان کاملاً با یکدیگر متفاوتد و این بار شغل زن به نحوی مرکز ثقل ماجراست و حتی شوک اولیه و اصلی روایت نیز به واسطهٔ همین شغل به خواننده زده می‌شود. در واقع اگر عقیق، شغل دیگری داشت اصلاً بن‌مایهٔ اصلی داستان شکل نمی‌گرفت پس این‌جا پزشک بودن زن، امری مهم و غیرقابل‌تغییر است. خلیلی‌فرد با ظرافت به زندگی قشر پزشک نزدیک شده و جدا از ریزه‌کاری‌های زندگی شخصی با دقت و تأمل به مقوله‌های پزشکی و علمی در کتایش پرداخته و مشخصاً داستان با تحقیق کاملی از سوی او نوشته شده است. آدم‌های قصه‌های خلیلی‌فرد همواره زیرلایه‌های عمیقی دارند. آن‌ها نه سطحی‌اند و نه سطحی‌نگر. روابط میان این آدم‌ها نیز پیچیده است. آدم‌هایی که گاهی حتی بلد نیستند چه‌طور باید با هم حرف بزنند و مشکلات‌شان را با یکدیگر در میان بگذارند. آدم‌هایی که به لحاظ تحصیلات و طبقهٔ اجتماعی، وضعیت خوبی دارند اما گاه در برقراری درست ارتباط و مناسبات این‌گونه دست و پای خود را گم می‌کنند. یکی از مهم‌ترین علل استقبال از داستان‌های خلیلی‌فرد این است که هیچ شخصیتی در آن‌ها سیاه مطلق یا سفید مطلق

کافه

تازه‌های ادب و هنر

ایران را جدی نمی‌گیریم

روایت **نصرالله پورجوادی** از فلسفه ایرانی و ویژگی‌های اسلام ایرانی

اسلام (ص) پذیرفته است. ایشان سلمان فارسی را به ایران فرستاد که دین خود را به زبان فارسی به ایرانیان ابلاغ کند لذا ایرانی‌شهری می‌گوید که سلمان فارسی در حقیقت رسول محمد(ص) بوده است و خواسته دین محمدی را به زبان فارسی و به عناصر زبان فارسی ابلاغ کند. برخی مدعی‌اند، خود کلمه مسلمان از مسلم و یا اسلام نیست به‌معنای کسی است که دین ابلاغی سلمان را پذیرفته است. اگر به فرهنگ دهخدا نگاه کنید، ذیل مدخل «مسلمان» همین مطلب را گفته است. این را از قدیم گفته‌اند، منتها برخی آن را نمی‌پذیرند. ولی یک نظر شایع همین بوده است. دین سلمان نه به‌معنای دینی است که با اسلام فرق دارد بلکه به معنای اسلامی است که ایرانی و سلمانی شده است.»

ویژگی‌های اسلام ایرانی

پورجوادی در ادامه دربارهٔ ویژگی‌های اسلام ایرانی و سلمانی، می‌گوید: «یک ویژگی آن زبانش است، زبانی که برای ایرانیان قابل فهم است. دوم تاریخ و اسطوره‌هاست، یعنی آن چیزی که در شاهنامه بیان شده که با اسطوره‌هایی که در حجاز وجود داشته متفاوت است چون بر اسطوره و تاریخ یهود متکی بوده است. دیگری، اخلاق و اصول اخلاقی است که تحت عنوان جوانمردی می‌شناسیم و خود فلسفه‌ای دارد که در داخل فرهنگ ایرانی وجود داشته است. همهٔ این‌ها به مسائل فلسفی و کلامی برمی‌گردد و نشان می‌دهد که ما فلسفه و کلام و جهان‌بینی ایرانی داریم که در دوره اسلامی به‌نحوی حفظ شد و تا آن‌جا که من تحقیق کردم از نخستین کسانی که جهان‌بینی ایرانی را در آثارش منعکس کرد، امام جعفر صادق (ع) است. جهان‌بینی، عرفان و فلسفهٔ ایرانی در دورهٔ اسلامی بیشتر در میان عرفای ما وجود داشت تا فلاسفه. فلاسفه دورهٔ اسلامی تحت‌تأثیر جهان‌بینی و فلسفهٔ نوافلاطونی و یونانی بودند و به همین دلیل است که می‌بینید، شعرای عارف و حکیم ما همچون سنایی، عطار یا مولانا به فلسفه یونانی می‌تازند. درست است که می‌گفتند باید پیرو اسلام محمدی(ص) باشیم اما می‌گویند

نصرالله پورجوادی، استاد بازنشسته فلسفهٔ دانشگاه تهران و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی که قدیمی‌تراها او را با دوران موثر ریاستش بر مرکز نشر دانشگاهی و آثار و نوشته‌هایی در زمینه عرفان‌پژوهی می‌شناسند، در سال‌های اخیر با حضور در فضای مجازی و نگارش یادداشت‌ها و خاطرات کوتاه انتقادی توانسته با نسل جوان‌تر هم ارتباط برقرار کند. او در سال‌های اخیر بیشتر از هر چیز از ایران و ایران‌شهر سخن می‌گوید و به تازگی نیز کتابی از او با عنوان «در نگاه ایران‌شهری» (از سوی نشر اگر) منتشر شده که شامل مجموعه‌ای از مقالات او در تاریخ اندیشهٔ ایران‌شهری است. این نوشته‌ها از سوی مخاطبان مورد توجه قرار گرفته و منتقدانی نیز یافته است.

دین سلمان یا اسلام ایرانی

پورجوادی در گفت‌وگو با ایبنا به ویژگی‌های اندیشهٔ ایران‌شهری و آن‌چه اسلام به روایت ایرانیان خوانده می‌شود، پرداخته و دربارهٔ خاستگاه «ایران‌شهری» می‌گوید: «ایران‌شهری به معنی ایرانی است و خاستگاه آن به دورهٔ ساسانی بازمی‌گردد که به معنی کشور ایران است. حدس می‌زنیم که ابوالعباس ایران‌شهری می‌گفت، محمد(ص) پیغمبر عرب بود که دین عربی را برای عرب‌زبان‌ها و آنهایی که فرهنگ عربی داشتند آورد، ما هم ایرانی هستیم که باید آنچه را که می‌خواهیم، بپذیریم یا گذشته‌مان سنخیت داشته باشد. می‌گویند کسانی قبل از ابوالعباس ایران‌شهری بودند که می‌گفتند اینها برای دین زرتشتی مصلح بودند که معروف‌ترین آنها به‌آفرید است که در اوایل قرن دوم می‌زیست و اصلاحاتی در دین زرتشتی صورت داد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که این اصلاحات با شریعت اسلامی مطابقت داشت و بعید نیست حرفی که او می‌زد همین بود که ما باید اسلام را در قالب فرهنگ ایرانی خودمان بپذیریم. دیگران هم بودند که البته ما خیلی راجع به آن‌ها نمی‌دانیم، چون ننوشته‌اند و نگفته‌اند اما حرفی که ایران‌شهری می‌زد، چندان هم تازه نبود. ایران‌شهری می‌گوید، دین اسلامی که برای ایرانیان آمد را خود پیامبر

فیلم‌مستند

گنج‌یابی در سوادکوه

مستند رؤیاباف و قاضی در اکران آنلاین به نمایش گذاشته می‌شود

گروه حفاری همدلی دارد. شاید به این دلیل که آنها مثل ما، بخشی از مردم این سرزمین هستند که رسیدن به رؤیاها و آرزوهایشان، محال یا سخت شده است. «رؤیاباف و قاضی» دو پایان دارد، پایان نخست با واقعیت همخوانی بیشتری دارد. پایان دوم شاید رؤیای حسام است که دوست دارد، شخصیت‌های فیلمش بالاخره در دل سنگ و خاک و تاریخ، رؤیایشان را کشف کنند. این پایان خوش پاداش مهدی، علی و محمد است. رفقایِ که تلخی روزگار، رؤیاییشان را نابود نکرده است.



مستند «رؤیاباف و قاضی» که تاکنون اکران سینمایی نشده است از روز چهارشنبه، اکران آنلاین خود را آغاز می‌کند. این مستند بلند ساخته حسام اسلامی، مستندساز ایرانی است که پیش از این در جشنواره‌های معتبر فیلم مستند مثل هات‌داکس، ایدفا، ژان روش پاریس و میلینیوم ورشو به نمایش درآمده است. اسلامی پیش‌تر مستندهای «فرار از قصر»، «پروژه ازدواج»، «متهمین دایره بیستم» و... را تهیه‌کنندگی و کارگردانی کرده است. موضوع «رؤیاباف و قاضی» حفاری غیرمجاز عتیقه‌جات یا همان گنج‌یابی است که شاید پیش‌تر، فیلم‌های دیگری هم در این باب ساخته شده باشند اما آنچه کار اسلامی را از تمام نمونه‌های مشابه متمایز می‌سازد، فرم بدیع فیلم اوست که شباهت جالبی به فیلم دیگرش «متهمین دایره بیستم» دارد. در آنجا، وی با چند نوجوان خلاف‌کار که در سرقت ضبط‌صوت اتومبیل‌ها تخصص داشتند، همراه می‌شد تا از نزدیک با آنان زندگی کند و تجربه خاص و غریب‌شان از امری مذموم، یعنی سرقت را بهتر درک کند و به تصویر بکشد و حالا در «رؤیاباف و قاضی» با چند گنج‌یاب، که انگار بزرگسالی نوجوانان همان فیلم است، همراه شده تا سر از کم و کیف کارشان دربیابورد: از ابزار و ادوات‌شان برای حفاری، قول و قرارهایشان از این‌که چطور محل دفینه‌ها را شناسایی می‌کنند، ارتباطشان با چهره‌ای نقابدار و مرموز در اینستاگرام که استاد و سلطان خطابش می‌کند و از او رموز این کار غیرقانونی را می‌آموزند و... .

حسام اسلامی در «پروژه ازدواج» و «فرار از قصر» (که تهیه‌کننده آن است) نشان داده، تمایل به روایت و شاید نوعی از قصه‌گویی دارد که در عین وفاداری به سینمای مستند، آثارش را به سینمای داستانی نزدیک می‌کند. می‌شود این رویکرد و نگاه را دوست نداشت اما این توجه به روایت است که آثار اسلامی از جمله «رؤیاباف و قاضی» را دلپذیرتر می‌کند. او در آثارش علاوه بر نمایش رخداد و ثبت واقعیت، شخصیت‌ها را معرفی و مسیر آنها را دنبال می‌کند. به نظر می‌رسد در «رؤیاباف و قاضی» او با



ستاره لیلا

یاسمن خلیلی‌فرد

نشر دیوار (چشمه)

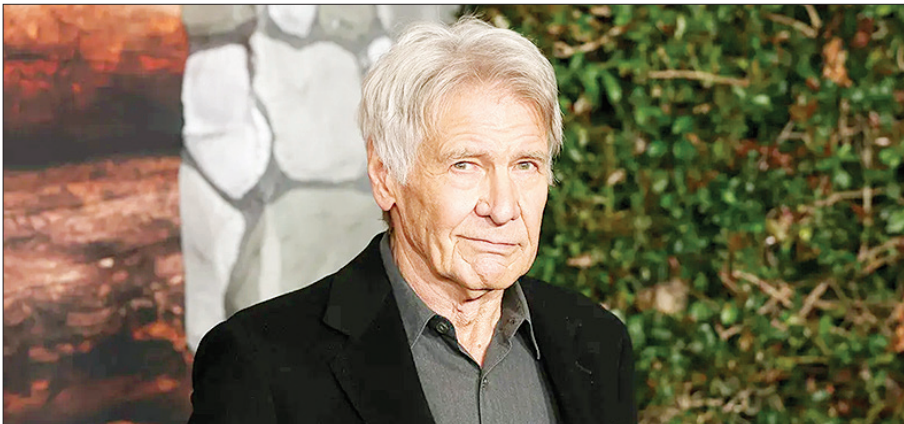
۳۷۶ صفحه

۵۵۰ هزار تومان



جنایتکار بزرگ

هریسون فورد به شدت رئیس جمهور آمریکا را مورد انتقاد قرار داد



و تمرکز کامل‌تر بر اجرای آن سیاست‌ها، زمان بخریم. اما باید اراده سیاسی و کشف راه‌حل‌ها را توسعه دهیم تا درک کنیم، قادر به تغییر هستیم. ما انسان‌ها فوق‌العاده سازگار و مبتکر هستیم. اگر روی یک مشکل تمرکز کنیم، می‌توانیم آن را حل کنیم.

به گزارش مهر این بازیگر ۸۳ ساله همچنین تأکید کرد که از بسیاری از چیزها در آمریکا ناامید شده است.

فورد گفت: ۴ سال ما را در برابر هم قرار داد و در همان حال دیکتاتورها و مستبدان سراسر جهان را در آغوش گرفت. ما این نیستیم. ما نیازی نداریم، آمریکا را دوباره بزرگ کنیم. ما بزرگ هستیم اما چیزی که نیاز داریم این است که دوباره با هم کار کنیم. چیزی که نیاز داریم رئیس‌جمهوری است که دوباره برای همه ما کار کند.

او پیش از این و در دوره قبلی ریاست جمهوری ترامپ هم همواره به او درباره سیاست‌هایش در قبال محیط‌زیست انتقاد می‌کرد و می‌گفت: ترامپ همواره خطر تغییرات آب و هوایی را رد کرده و به تازگی با کاهش دما و هوای زمستانی در توئیت، شوخی کرده است. وی همواره از رسانه‌های اجتماعی استفاده کرده تا بگوید تغییرات آب و هوایی، نظریات توطئه‌آمیزی هستند که چین آنها را اختراع کرده است. فورد افزود: ما با این مسئله روبه‌رو هستیم، آنچه من به آن دارم این است که ما امروز با بزرگ‌ترین بحران اخلاقی زمان روبه‌رو هستیم. آنهایی که کمتر مسئول و برانی طبیعت هستند، بیشترین عواقب این مسائل را متحمل می‌شوند.

وی در سخنانش تأکید کرد، سیاستمداران برای شکل دادن به سیاست‌های خود باید بر علم صحیح تکیه کنند. هریسون فورد در سال‌های گذشته در سخنرانی خود که در اجلاس سران حکومت‌های جهان ایراد کرد، کسانی که علوم را بدنام می‌کنند و تهدید تغییرات آب و هوایی را نادیده می‌گیرند، تقبیح کرد. این بازیگر سرشناس در عین حال که از ترامپ نام نبرد اما گفت: در سراسر جهان، عناصر رهبری - از جمله در کشور خود من - برای حفظ سهم خود در شرایط فعلی به انکار یا نادیده گرفتن علم می‌پردازند اما آنها در سوی نادرست تاریخ ایستاده‌اند. جدا از بازیگری، فورد خلبان دارای مجوز است که اغلب به خدمات اضطراری در مأموریت‌های نجات نزدیک خانه خود در ایالات وایومینگ کمک کرده است. او همچنین فعال زیست‌محیطی متعددی است که از سال ۱۹۹۱ در مقام نایب‌رئیس هیأت مدیره سازمان بین‌المللی حفاظت در حال فعالیت بوده است.

هریسون فورد، رئیس‌جمهور آمریکا را برای بی‌توجهی به تغییرات اقلیمی سرزنش کرد و گفت که جنایتکاری بزرگ‌تر از ترامپ در تاریخ نمی‌شناسد و رفتار او، قلبش را به درد آورده است.

این بازیگر پیش از دریافت جایزه حفاظت از محیط‌زیست در موزه فیلد شیکاگو در مصاحبه با گاردین به ترامپ به‌شدت تاخت و رئیس‌جمهور آمریکا را برای نادانی و جهل در قبال تغییرات اقلیمی و از بین بردن سیاست‌های اقلیمی دولت به بصاد انتقاد گرفت. فورد به این نشریه گفت: ترامپ هیچ سیاستی ندارد. او بر مبنای هوس‌های خودش رفتار می‌کند و این مرا به شدت می‌ترساند. جهل، غرور، دروغ، خیانت. ترامپ دقیقاً می‌داند که ابزاری برای وضع موجود است و فقط پول درمی‌آورد، در حالی که دنیا دارد به جهنم می‌رود. باورنکردنی است. من جنایتکاری بزرگ‌تر از او در تاریخ نمی‌شناسم.

ماه پیش ترامپ در سازمان ملل متحد گفت که تغییرات اقلیمی «بزرگ‌ترین کلاهبرداری است که تاکنون در جهان انجام شده» و افزود: اگر از این کلاهبرداری سبز فرار نکنید، کشورتان شکست خواهد خورد. اگر می‌خواهید دوباره بزرگ شوید به مرزهای قوی و منابع انرژی سنتی نیاز دارید.

گاردین نوشته است: ترامپ شروع به از بین بردن سیاست‌های حفاظت از آب و هوا و هوای پاک کرده، پروژه‌های انرژی پاک را متوقف کرده، از شرکت‌های نفت و گاز خواسته برای استخراج سوخت‌های فسیلی که کره زمین را بیش از حد گرم می‌کنند، باز هم حفاری‌های بیشتر انجام دهند، صدها دانشمند را اخراج و کار آنها را حذف کرده و حتی اشاره به «تغییرات اقلیمی» و «انتشار گازهای گلخانه‌ای» را در داخل دولت ممنوع کرده است. هریسون فورد، بازیگر نمادین «جنگ ستارگان» و «ایندیانا جونز» درباره تغییرات اقلیمی و افزایش بلایای ناشی از تغییرات آب و هوایی گفت: می‌دانستم به اینجا می‌رسیم، من ۳۰ سال است که دارم درباره این چیزها حرف می‌زنم. هر چه از تغییرات اقلیمی گفتیم به حقیقت پیوسته است. چرا همه اینها کافی نیست تا مردم را نگران کند؟ به دلیل وضع تثبیت شده موجود!

فورد همچنین درباره ترامپ افزود: او در حال از دست دادن جایگاه خود است زیرا هرچه می‌گوید، دروغ است. من مطمئنم که می‌توانیم تغییرات اقلیمی را کاهش دهیم، می‌توانیم برای تغییر رفتارها، ایجاد فن‌آوری‌های جدید



عرفان ایرانی مد نظر ماست که باید در مقابل فلسفه یونانی قرار گیرد.»

پورجوادی در ادامه دربارهٔ این‌که حکمت ایرانی چگونه و با چه متون به دورهٔ اسلامی منتقل شده، می‌گوید: «برخی از این متون در دورهٔ ساسانی نوشته شد و به ما رسید که تعدادش هم زیاد نیست. یکی از مهم‌ترین متون، اوستاست. متونی هم هست که مورخان یونانی نوشته‌اند مثلاً قدیم‌ترین جایی که در آن به جهان‌بینی ایرانی اشاره شده، اندیشه پلوتارک است که در کتاب «دین ایرانی بر پایه متن‌های معتبر یونانی» اثر امیل بونیست با ترجمه بهمن سرکاراتی آمده و در امثال این متون، تفکر و جهان‌بینی ایرانی مورد اشاره قرار گرفته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد، متونی که از زبان پهلوی به ما رسیده با گزارش‌های یونانی‌ها همچنین اوستا و گاتاها مطابقت دارد. از قرن دوم به بعد، متون فراوانی به‌زبان پهلوی وجود دارد. برخی تصور می‌کنند که زبان فرهنگی ما فارسی بوده است اما این تصور، دقیق و درست نیست. ما سه زبان فرهنگی در ایران داشتیم، یکی زبان عربی است که زبان متفکران، فلاسفه، اطبا حتی شعرا بوده است که بعدها این متون به زبان فارسی در می‌هم نوشته شد. زبان پهلوی هم بود. اما فرق پهلوی با فارسی دری در این بود که فارسی دری به اسلام اقبال نشان داد و در تفسیر، تأویل و داستان‌های اسلامی به کار رفت اما پهلوی خود را ملزم به این دانست که مزدیسنا و نظایر آن را حفظ کند.»

غفلت از فلسفهٔ ایرانی

پورجوادی در پاسخ به این پرسش که چرا دیر به سراغ این مباحث

که رواییشان را خیلی جدی دنبال می‌کنند. از طرفی در شهرستان سوادکوه از طریق ارتباطی که با دادگستری آن منطقه داشتم با خانم قاضی طلائی آشنا شدم که شخصیت بسیار ویژه‌ای داشتند و بسیار باهوش و باتجرب بودند و همه پرونده‌های مربوط به حفاری آن منطقه به دست ایشان می‌رسید و قضاوت می‌کردند. به همین دلیل احساس کردم به دو طرف ماجرا دسترسی دارم و حالا می‌توانم، آنچه که در ذهن دارم را روایت کنم.»

کارگردان مستند «پروژه ازوداج» درباره شخصیت خانم قاضی در مستند «رؤیاباف و قاضی» تأکید می‌کند: «من نمی‌دانستم در سیستم قضایی، قاضی خانم داریم. مجوزهای لازم برای فیلمبرداری در منطقه را گرفتیم، روز اول متوجه شدم، قاضی پرونده‌های میراث فرهنگی یک خانم است. ایشان بسیار مسلط بود، برای اولین بار طی سال‌های کارم با چنین شخصیتی مواجه شدم که این قدر مقابل دوربین راحت بود و خیلی سریع با حضور ما در دفترش، کنار آمد. در یک فضای مردانه و سختگیر قضایی همه با احترام به خانم قاضی نگاه می‌کردند و ایشان محل رجوع و بسیار دقیق و حرفه‌ای بود. این نکته برام جذاب بود.»

اسلامی با توجه به نمایش مستند «رؤیاباف و قاضی» در جشنواره‌های «هات‌داکس»، «ایدفا» و «تروفالس» و واکنش تماشاگران به حضور شخصیت قاضی خانم توضیح می‌دهد: «برای مخاطبان جالب بود که در ایران، قاضی خانم فعالیت می‌کند، آنها تحت تأثیر فیلم و این شخصیت بودند. هم مخاطبان ایرانی خارج از کشور و هم تماشاگران خارجی درباره این شخصیت سؤال می‌پرسیدند و یکی از نکات جذاب فیلم، برایشان حضور، اقتدار و تسلط او بر کارش بود. به نظر، فهم جامعه ایرانی و مسائل اجتماعی آن ساده نیست و با یک جمله و کلمه نمی‌شود درباره رخدادها، شخصیت‌ها و موقعیت‌ها صحبت کرد.»

اسلامی در پاسخ به این سؤال که «رؤیاباف و قاضی» درباره مردم و رواییشان است، می‌گوید: «ما درباره یک موقعیت انسانی صحبت می‌کنیم که ریشه‌ای دیرینه و تاریخی دارد. ما تمدنی باستانی داریم. این رؤیا و تمایل برای دستیابی به گنج و میراث و ثروت گذشتگان در بسیاری از ما وجود داشته است. در ادبیات کلاسیک ما، داستان‌های بسیاری با این مضمون وجود دارد. وقتی درباره امروز حرف می‌زنیم این تمایل و رؤیا تشدید می‌شود. هر چه شرایط اقتصادی سخت‌تر می‌شود، گرایش به این رؤیا بیشتر می‌شود. مردم فکر می‌کنند، روی زمین نمی‌شود به این خواسته رسید اما زیر زمین می‌شود، آن را دنبال کرد.»



شناسه آگهی: ۲۰۳۶۸۲۹

ابلاغ اتهام

جناب آقای اصغر کاظمی خوستانی به شماره ملی ۰۰۶۷۹۱۷۴۱۰



سازمان تامین اجتماعی

نظر به اینکه پرونده جنابعالی به علت غیبت غیر موجه در هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان سازمان انتقال خون ایران مورد بررسی قرار گرفته و منجر به صدور موارد اتهام شده است و با توجه به گزارش رسیده از اداره کل انتقال خون استان تهران مبنی بر عدم دسترسی به جنابعالی، مقتضی است حداکثر تا ده روز پس از درج این آگهی، جهت دریافت موارد اتهام مذکور به دفتر هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری واقع در تهران - بزرگراه شیخ فضل الله نوری - تقاطع بزرگراه شهید همت جنب برج میلاد بلوک C طبقه همکف مراجعه نمایید.

بدیهی است پس از انقضای مهلت تعیین شده و عدم مراجعه جهت تسلیم دفاعیه و مدارک مربوطه، وفق ماده ۱۸ آئین نامه اجرایی قانون رسیدگی به تخلفات اداری اقدام خواهد شد.

م الف ۲۸۵۵

دیدگاه:تحلیل اقتصادی

نفس داروگر برید

قتل خاموش صنایع چگونه اتفاق می افتد؟



سعید مشهوری

گروه اقتصاد

در خبرها آمده بود: «شرکت داروگر، یکی از قدیمی‌ترین برندهای صنعتی ایران به پایان عمر خود رسید». خبری کوتاه اما پرمعنا؛ نه فقط پایان یک شرکت بلکه مرگ بخشی از حافظه صنعتی کشور. در دل همین جمله ساده، فریاد خاموش صدها کارخانه دیگر هم نهفته است که پیش از داروگر، یکی‌یکی فروپاشیدند، خاموش شدند و از خاطره جمعی پاک شدند. اگر می‌شد بنگاه‌های صنعتی را پس از مرگ کالبدشکافی کرد احتمالاً روی گزارش نهایی علت مرگ‌شان می‌نوشتند: «قتل توسط دولت». نه فقط دولت به معنای قوه مجریه بلکه همه نظام حکمرانی؛ مجموعه‌ای از سیاست‌گذاری‌های کلان، تصمیم‌های خلق‌الساعه، قوانین ناپایدار و بی‌وجهی‌هایی که سال به سال، رمق تولید را گرفته‌اند.

هیچ کارخانه‌ای یک‌باره نمی‌مرد. مرگ صنعت تدریجی است؛ شبیه خشک شدن درختی که ریشه‌اش را آرام‌آرام از آن می‌گیرند. نخست سرمایه در گردش کم می‌شود، بعد سفارش‌ها می‌افتد، بعد برق قطع می‌شود، مالیات بالا می‌رود، بیمه فشار می‌آورد، ارز نایاب می‌شود و ناگهان، چرخ‌هایی که سال‌ها می‌چرخیدند از حرکت می‌ایستند. در نهایت، کارگران به خانه می‌روند، درها قفل می‌شود و شهری دیگر کارخانه‌ای کمتر دارد.

در ذهن بسیاری از کارآفرینان، نام کارخانه‌شان نه صرفاً یک کسب‌وکار که رویا بود؛ رؤیای ساختن، خودکفایی، استقلال و غرور ملی. هر کارخانه‌داستانی داشت؛ کارگاهی کوچک که با تلاش شبانه‌روزی بالا رفت، جوانانی که در دهه‌های دور با حداقل امکانات دستگاهی ساختند، محصولی تولید کردند و از دل خاکستر جنگ یا بحران، چراغ امیدیی روشن کردند. اما امروز، بسیاری از همان چراغ‌ها خاموش شده‌اند. کاش جایی بود که این خاموشی‌ها را می‌شد دید؛ کاش قبرستانی برای صنایع داشتیم. جایی که سنگ قبر هر کارخانه، نامی آشنا بر خود داشته باشد: ارج، آزمایش، پارس‌الکتریک، چیت‌ری، داروگر و ده‌ها نام دیگر که روزگاری، بخشی از زندگی روزمره مردم بودند. اگر چنین مکانی بود شاید سیاست‌گذاران کشور را موظف می‌کردند، پنج‌شنبه‌ها و جمعه‌ها به آنجا بروند، در سکوت میان سنگ قبرها قدم بزنند و بخوانند بر آن سنگ‌ها که نوشته: «اینجا رؤیای نسلی مدفون است که می‌خواست بسازد اما با تصمیم‌های نادرست از پا درآمد». قبرستان صنایع پر از داستان‌های ناگفته است. داستان کارآفرینی که با سرمایه شخصی و ایمان به تولید، کارخانه‌ای را از هیچ ساخت اما در برابر تورم، کمبود نقدینگی، قطعی مکرر انرژی و سیلی از مقررات متناقض، تاب نیاورد. داستان مهندسی که از دانشگاه بازگشت تا چراغ تولید را روشن نگه دارد اما با نرخ ارز هر روزه و قوانین بی‌ثبات زمین‌گیر شد. و البته داستان کارگری که صبح یک روز عادی فهمید که کارخانه دیگر باز نخواهد شد، حقوقش پرداخت نمی‌شود و نان خانه‌اش برید. در این میان، دولت‌ها یکی پس از دیگری می‌آیند و می‌روند اما سیاست‌ها همان است: وعده‌های حمایت از تولید، بخشنامه‌های ضدتقیض، تصمیم‌های ناگهانی درباره ارز و واردات، مالیات‌های فزاینده و بیمه‌هایی که کسر بنگاه‌ها را خم می‌کنند. تولیدکننده در ایران، سربازی است که بدون سلاح به میدان فرستاده می‌شود. او باید با نوسان قیمت‌ها، نرخ ارز، تورم مواد اولیه و بی‌ثباتی قوانین بجنگد، در حالی که واردکننده با ارز ترجیحی و مجوزهای آسان از کنار او عبور می‌کند. نتیجه روشن است: انگیزه از بین می‌رود، سرمایه‌ها فرار می‌کنند و صنعت، آرام‌آرام به خاطره بدل می‌شود.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

تردید بزرگ

چرا برخی جوامع پیشرفت کردند و برخی بازماندند؟

مهتا معرفت
گروه اقتصاد

در تابستانی گرم در دهه ۵۰ میلادی، ادوارد بنفیلد، استاد فلسفه سیاسی دانشگاه شیکاگو در کوچه‌های باریک و خاکی شهر کوچکی در جنوب ایتالیا قدم می‌زد. او آمده بود تا پاسخ سؤالی را بیابد که ذهن بسیاری از اندیشمندان توسعه را درگیر کرده بود: چرا برخی جوامع، با وجود منابع طبیعی مشابه، در فقر و رکود باقی مانده‌اند در حالی که دیگران مسیر پیشرفت را پیموده‌اند؟ نتیجه سال‌ها مشاهده و تحقیق میدانی‌اش در آن شهر سیسیلی، کتابی شد با عنوان «پایه‌های اخلاقی جوامع عقب‌مانده» که در سال ۱۹۵۸ منتشر شد و تا امروز یکی از متون کلاسیک در حوزه جامعه‌شناسی توسعه به شمار می‌رود.

شهر مورد مطالعه بنفیلد، اقتصادی کشاورزی داشت با زمین‌هایی خشک، فرصت‌های آموزشی اندک و مردمی گرفتار چرخه فقر. او می‌خواست بفهمد چه چیزی مانع از آن می‌شود که ساکنان این جامعه برای بهبود زندگی‌شان با یکدیگر همکاری کنند. پرسش ساده بود اما پاسخ او تکان‌دهنده: مشکل نه در خاک بود، نه در آب و نه در دولت بلکه در فرهنگی ریشه‌دار که همکاری جمعی را بی‌ارزش می‌شمرد.

بنفیلد این فرهنگ را «خانواده‌گرایی غیراخلاقی» (amor-al familism) نامید. در چنین جامعه‌ای، هر فرد فقط به دنبال حداکثر کردن منافع کوتاه‌مدت خانواده خود است و باور دارد که دیگران نیز دقیقاً چنین می‌کنند. در نتیجه، هیچ انگیزه‌ای برای اقدام جمعی باقی نمی‌ماند. اگر پروژه‌ای عمومی اجرا شود، مردم در پی آن هستند که «سهم خود» را از آن ببرند و اگر نفعی مستقیم نصیب‌شان نشود، دلیلی برای همکاری نمی‌بینند. در روایت بنفیلد، سیاستمداران محلی آیین‌ه همان فرهنگ بودند. آنکه از سیاستمدار خوشش می‌آمد، ارتقا می‌یافت؛ آنکه خوشایند نبود، حذف می‌شد. رابطه مردم با قدرت نه بر پایه اعتماد که بر اساس منافع لحظه‌ای، شکل می‌گرفت. هر کس

از قدرت نفعی گرفته بود، حامی آن بود و هر کس بی‌بهره ماند، بود، دشمنش می‌شد. فقر همه‌گیر بود اما فساد و فرصت‌طلبی نیز در زندگی روزمره تنیده شده بود. در چنین فضایی، شهروندان باور داشتند که سخت‌کوشی بی‌فایده است؛ زیرا موفقیت نه از تلاش بلکه از ارتباط و شانس می‌آید. حسادت، سوءظن و بی‌اعتمادی روابط انسانی را شکل می‌داد. مردم کمک به یکدیگر را نوعی حماقت می‌دانستند مگر آنکه سودی برای خود در میان باشد. حتی اگر همسایه‌ای در کارش موفق می‌شد این موفقیت به جای الهام‌بخش بودن، تهدید تلقی می‌گردید؛ زیرا در ذهن مردم، پیشرفت دیگری به معنای عقب‌ماندگی خودشان بود. بنفیلد می‌نویسد که زندگی در آن شهر چیزی شبیه جنگی بی‌پایان بود؛ جنگی پنهان میان خانواده‌ها برای بقا و منافع زودگذر. نتیجه این وضعیت، انزوی اجتماعی، رکود اقتصادی و ناتوانی در حل مشکلات مشترک بود. حتی وقتی فرصت‌هایی برای استفاده جمعی از منابع وجود داشت، بی‌اعتمادی چنان ریشه دوانده بود که هیچ‌کس حاضر نمی‌شد برای نفع عمومی خطر کند یا پیشقدم شود. اعتماد به نهادهای سیاسی تقریباً صفر بود. مردم باور داشتند هر گروهی که به قدرت برسد، سرانجام فاسد می‌شود. سیاستمداران در نگاه شهروندان نه خدمت‌گزار مردم بلکه کسانی بودند که با استفاده از موقعیت خود، جیبشان را پر می‌کنند. چنین ذهنیتی موجب می‌شد که صندوق رأی نه ابزاری برای بیان اراده جمعی بلکه وسیله‌ای برای پیگیری منافع شخصی تلقی شود. اگر سیاستی به نفع عموم بود ولی برای خانواده‌ای خاص سودی نداشت، اعضای آن خانواده با آن مخالفت می‌کردند. در نتیجه، خیر عمومی هیچ‌گاه به اولویت تبدیل نمی‌شد. در غیاب اعتماد و اصول اخلاقی مشترک، رفتار افراد تنها با وعده پاداش یا ترس از مجازات هدایت می‌شد. قانون به جای آنکه تجلی وجدان جمعی باشد، ابزار فشار بود. بنفیلد استدلال می‌کرد که این جامعه از سرمایه اجتماعی تهی است؛ یعنی از شبکه‌ها، هنجارها و عادات فرهنگی‌ای که انگیزه همکاری برای اهداف مشترک را پدید می‌آورد. مردم فاقد آن چیزی بودند که امروز آن را «اعتماد اجتماعی» می‌نامیم.

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

شهرستان خرم آباد-سری (۷۷۵) جمعی

اولیه «احمد کریمی پارسا ومتقاضی»

۵ – تقاضای «آقای بهرام بهاروند» فرزند «دوستکه» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی» بمساحت «۴۱۴۷,۵۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۶۸۴» فرعی از «۲۴» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از

مالکیت مالک اولیه «خود متقاضی»

۶- تقاضای «آقای بهرام بهاروند» فرزند «دوستکه» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی» بمساحت «۲۲۸۰,۸۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۶۸۳» فرعی از «۲۴» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خود متقاضی»

۷ – تقاضای «محمد بیرانوند» فرزند «شاه عباس» نسبت به «۱,۳۳» سهم از ۶سهم شش‌دانگ زمین مزروعی» بمساحت «۴۶۵۳,۰۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۶۶» فرعی از «۱۱» اصلی واقع در بخش «۵» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خیره جمشیدی»

۸ – تقاضای «محمد بیرانوند» فرزند «شاه عباس» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی» بمساحت «۲۷۸۵,۵۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۶۲» فرعی از «۱۱» اصلی واقع در بخش «۵» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خود متقاضی»

۹ – تقاضای «محمد بیرانوند» فرزند «شاه عباس» نسبت به «۱,۳۳» دانگ مشاع از شش‌دانگ زمین مزروعی» بمساحت «۱۵۳۴,۷۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۵۵» فرعی از «۱۱» اصلی واقع در بخش «۵» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خیره جمشیدی»

۱۰- تقاضای «محمد بیرانوند» فرزند «شاه عباس» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی» بمساحت «۸۱۸۰,۴۹» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۵۹» فرعی از «۱۱» اصلی واقع در بخش «۵» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خود متقاضی»

فرشاد بازوندی نژاد

رییس اداره ثبت اسناد و املاک خرم آباد

شناسه آگهی ۲۰۳۲۷۰۸

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۱۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۲۶

۵۹۹

از نظر بنفیلد، عقب‌ماندگی اقتصادی و سیاسی این جامعه

نه به دلیل کمبود منابع طبیعی بلکه نتیجه مستقیم همین ناتوانی در فراتر رفتن از منافع خانوادگی بود. توسعه، در نگاه او، قبل از هر چیز یک پدیده فرهنگی است. جامعه‌ای که در آن افراد تنها در پی منافع کوتاه‌مدت خود باشند، نمی‌تواند نهادهای پایدار، سازمان‌های کارآمد یا نظام سیاسی مسئولیت‌پذیر بسازد. اما بنفیلد صرفاً منتقد نبود؛ او برای اصلاح نیز پیشنهادهایی داشت. نخست آنکه باید تعریف «منفعت شخصی» گسترده‌تر شود.

اگر فردی بتواند از بخشی از منافع کوتاه‌مدت خود چشم‌پوشی کند تا در بلندمدت اعتبار و خوش‌نامی به دست آورد، در واقع در حال سرمایه‌گذاری اخلاقی بر آینده خود است. به تعبیر امروزی، بنفیلد خواستار گذار از «منفعت آنی» به «منفعت پایدار» بود. پیشنهاد دوم او به نقش رهبران اخلاقی مربوط می‌شد. از نظر بنفیلد، جامعه برای اصلاح نیازمند افرادی است که در جایگاه‌های مختلف بتوانند، مسئولانه رفتار کنند و الگوی رفتار اخلاقی باشند. رهبران الزاماً نباید اِثارگر یا قهرمان باشند بلکه کافی است در تصمیم‌های روزمره، معیار اخلاق و انصاف را رعایت کنند تا این رفتار در سازمان و جامعه نهادینه شود.

سومین نکته او به مقاومت در برابر وسوسه تخریب و حسادت بازمی‌گشت. بنفیلد هشدار می‌داد که مردم و سیاستمداران باید در برابر میل به تضعیف سازمان‌ها یا افراد موفق تنها به دلیل رقابت یا کینه مقاومت کنند. در غیر این صورت، جامعه به جای ساختن همواره در حال ویران کردن خواهد بود. مرور دوباره یافته‌های بنفیلد پس از گذشت بیش از ۶۰ سال همچنان آموزنده است. بسیاری از کشورها و جوامع در حال توسعه با همان چرخه معیوب بی‌اعتمادی، منفعت‌طلبی کوتاه‌مدت و حسادت نسبت به موفقیت دیگران روبه‌رو هستند. وقتی همکاری اجتماعی جای خود را به رقابت‌های خرد و خانوادگی می‌دهد، سرمایه اجتماعی فرو می‌یابد و توسعه اقتصادی نیز متوقف می‌شود. درسی که از مشاهدات بنفیلد می‌توان گرفت این است که پیشرفت صرفاً با تزریق سرمایه یا فناوری ممکن نیست. توسعه، پیش از هر چیز، نیازمند تحول در نگرش و فرهنگ است؛ فرهنگی که در آن خیر عمومی ارزشی ذاتی دارد و همکاری نه از سر اجبار که از روی اعتماد و وجدان شکل می‌گیرد. جامعه‌ای که بتواند چنین فرهنگی را درونی کند، دیر یا زود مسیر رشد را خواهد یافت. در پایان می‌توان گفت، ادوارد بنفیلد با نگاه دقیق و بی‌رحمانه‌اش آینه‌ای در برابر ما گذاشت تا ببینیم چگونه ضعف در اخلاق جمعی می‌تواند، ریشه فقر و عقب‌ماندگی باشد. کتاب او نه فقط توصیفی از سیسیل دهه ۵۰ که هشداری برای همه جوامعی است که میان منافع کوتاه‌مدت و آینده مشترک مردد مانده‌اند.

نفوذپنهان

وزیر ارتباطات می گوید:

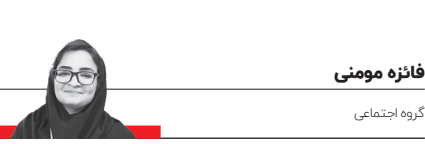
فیلترینگ موجب آلودگی شدید شبکه اینترنت شده است

گروه اجتماعی: وزیر ارتباطات گفته که اعتماد به سرورهای ناشناس در فیلترشکن‌ها، خطرناک و موجب آلودگی شبکه و حملات سایبری است. وی تأکید کرده بسیاری از حملات سایبری سال‌های اخیر از داخل کشور بوده است؛ این جمله به معنای آن است که سیاست‌های فیلترینگ نه تنها کارایی ندارد بلکه کاربران را مجبور می‌کند برای دسترسی به خدمات خارجی به سرویس‌های ناشناخته اعتماد کنند. گزارش پنجم کیفیت اینترنت که توسط کمیسیون اینترنت و زیرساخت اتاق بازرگانی تهران تهیه شده، نشان می‌دهد ۸۶ درصد کاربران ایرانی از VPN یا پروکسی استفاده می‌کنند و این رقم در میان جوانان زیر ۳۰ سال به ۹۳.۸ درصد می‌رسد. این آمار تکان‌دهنده پیام روشنی دارد: مردم به فیلترینگ پایبند نمی‌مانند و استفاده گسترده از فیلترشکن‌ها عملاً به شبکه داخلی آسیب می‌زند. از سوی دیگر همان گزارش تأکید می‌کند که استفاده اجباری از فیلترشکن‌ها باعث هزینه اضافی برای خانوارها و نیز بروز آسیب‌های امنیتی و آلودگی شبکه شده است. در نتیجه، فیلترینگ بیش از آنکه امنیت ایجاد کند، «زمین بازی» را برای نفوذ از داخل فراهم کرده است. گزارش کمیسیون تجارت الکترونیک تأکید می‌کند که ایران از نظر شاخص‌های تأخیر، محدودیت و سرعت در میان ۱۰۰ کشور تنها از کوبا، ترکمنستان و سودان بهتر است. شاخص RTT (زمان رفت و برگشت) برای هزار مبدأ-پرتزد ایران حدود ۲۹۵ میلی‌ثانیه اندازه‌گیری شده و ایران را کنار کشورهایی قرار داده که در حال جنگ یا بسیار توسعه

چهره روز

پایان صابر

چرا استعداد والیبال کشور ناگهان در قطر جان خود را از دست داد؟



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

ساعت‌های اولیه بامداد ۲۶ مهرماه، تیم الریان قطر پس از تمرین به هتل بازگشت. صابر کاظمی، ستارهٔ ۲۶ سالهٔ والیبال ایران که چند روزی بود به الریان پیوسته بود برای شنا به سمت استخر رفت. همراهش می‌گوید، او هنوز لباس ورزشی به تن داشت و وارد آب نشده بود که ناگهان فریاد زد «بدجوری برق منو گرفت»، روی زمین افتاد و تنفسش قطع شد. شاهدان با اورژانس تماس گرفتند و او پس از حدود ۱۰ دقیقه احیا شد اما دیگر به هوش نیامد. پزشکان قطری ابتدا گفتند هنگام ورود به استخر، سرش ضربه خورده و به‌دلیل افت اکسیژن در مغز دچار آسیب شدید شده است؛ چند ساعت بعد شایعات برق‌گرفتگی منتشر شد. با گذشت چند روز هنوز مشخص نیست در آن استخر چه رخ داده است.

در روزهای بعد، بازیکنان و رسانه‌ها، خبرهایی متناقض نقل کردند. ویتالی پاپازوف، پاسور روسی تیم الاهلی قطر این ماجرا را «عجیب» دانست و گفت «بازرسی‌های استخر هیچ نقص فنی نشان نداد و حتی دوربین‌های هتل در زمان حادثه از کار افتاده بودند». او از شایعاتی سخن گفت که سر کاظمی به دیواره استخر خورده و تلاش برای نجات از ۲۰ دقیقه به تأخیر افتاده است. این سخنان، حساسیت‌ها را بیشتر کرد زیرا اگر دوربین‌ها خاموش بوده باشد، اطلاع‌رسانی دقیق از ثانیه‌های حیاتی ممکن نیست. دکتر رضا جباری، پزشک کمیسیون پزشکی فدراسیون، چند روز بعد گفت که «تشخیص نهایی برق‌گرفتگی نیست» و آسیب ناشی از پارگی عروق مغزی علت ایست قلبی بوده است. با این وجود میلاد تقوی، رئیس فدراسیون والیبال مدعی شد یکی از همراهان شنیده است، صابر گفته است «برق مرا گرفت» و همین روایت ابهامات را افزایش داد.

جراحی و انتقال؛ جدال میان امید و ناامیدی

صابر پس از حادثه در بیمارستانی در دوحه بستری شد. پزشکان قطری به خانواده‌اش گفتند که به‌سبب پارگی یکی از شریان‌های اصلی مغز، فعالیت مغزی او متوقف شده و طی دو روز آینده، دستگاه‌ها را قطع خواهند کرد. خانواده و فدراسیون با این تصمیم مخالفت کردند و خواستند او به تهران منتقل شود. انتقال فردی با وضعیت کاظمی با دستگاه‌های احیا و حمایت قلبی-ریوی، فرآیندی بسیار پیچیده بود. تقوی می‌گوید، بیمارستان در ابتدا اجازه ترخیص نمی‌داد و انتقال تنها با دخالت وزیر بهداشت قطر و درخواست رسمی دولت ایران ممکن شد. چند روز بعد با هوابمایی اختصاصی و کابین پزشکی به تهران آمد و در بیمارستان پیامبران بستری شد. دو پزشک قطری نیز همراه او بودند تا فرآیند انتقال ایمن باشد.

نیافته‌اند. همین گزارش می‌گوید میانگین سرعت دانلود موبایل در ابتدای ۲۰۲۵ برابر ۳۸/۸۸ مگابیت بر ثانیه و سرعت ثابت ۱۶/۰۳ مگابیت بود؛ هرچند این اعداد نسبت به سال قبل بهبود یافته‌اند اما فیلتر و اختلال عمدی، کیفیت تجربهٔ کاربران را پایین آورده است. یکی از نکات اساسی در گزارش پنجم این است که کیفیت پایین اینترنت، ارتباطی با تحریم‌ها ندارد و می‌توان با رفع فیلترینگ و حذف اختلال‌های عمدی، وضعیت را بهبود داد. بیش از ۱۰۰ استارت‌آپ و شرکت فناوری در بیانیه‌ای مشترک، رفع فیلتر شبکه‌های اجتماعی و وب‌سایت‌های آموزشی، افزایش پهنای باند و حذف محدودیت‌های پروتکل‌های نوین مانند HTTP/۳ و IPv۶ را مطالبه کرده‌اند. این بیانیه نشان می‌دهد، جامعهٔ کسب‌وکار فناوری مسیر خروج از بحران را در باز بودن اینترنت می‌بیند نه در کنترل بیشتر.

اقتصاد دیجیتال زیر سایه قطع اینترنت و فیلترینگ

بر اساس داده‌ها در ابتدای ۲۰۲۵ حدود ۷۳/۲ میلیون ایرانی به اینترنت دسترسی دارند که معادل ۷۹/۶ درصد جمعیت است. همچنین بیش از ۴۸ میلیون حساب فعال در شبکه‌های اجتماعی وجود دارد. با این حال اینترنتی که می‌توانست، بستری برای رونق اقتصادی باشد به‌خاطر فیلترینگ به منبع زیان تبدیل شده است. وزیر ارتباطات در تیرماه ۱۴۰۴ گزارش کرد که در جریان جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل، اقتصاد دیجیتال کشور طی یک ماه ۳۰ درصد کوچک‌تر شده و حدود ۱۵۰



تریلیون ریال (حدود ۱۷۰ میلیون دلار) زیان دیده است. وی گفت ۱۰ میلیون نفر مستقیم یا غیرمستقیم از اقتصاد دیجیتال کسب درآمد می‌کنند و هر دو روز قطع اینترنت ۱۰ تریلیون ریال خسارت به اقتصاد وارد کرده است. گزارش‌های تحلیلی نیز این اعداد را تأیید می‌کند و می‌نویسد که بیکاری و خسارات ناشی از قطع اینترنت برابر با بودجهٔ سالانهٔ چند وزارتخانه است؛ ضمن اینکه در همان دوره بیش از ۲۰ هزار حملهٔ سایبری ثبت شد و بانک‌های بزرگ کشور دچار اختلال شدند. این یعنی سیاستی که قرار بود امنیت بیاورد نه تنها جلوی حملات را نگرفت بلکه اقتصاد دیجیتال و زیرساخت‌های مالی را فلج کرد.

فیلتر کردن پروتکل‌ها و اینترنت طبقاتی

در ادامهٔ سیاست‌های محدودکننده، پروتکل نوین HTTP/۳ که به‌صورت پیش‌فرض رمزنگاری شده و می‌تواند سرعت و پایداری شبکه را افزایش دهد همچنان مسدود است. این در حالی است که کارشناسان تأکید می‌کنند این پروتکل امکان دور زدن فیلتر را فراهم می‌کند و به

در والیبال ایران شد. در ترکیب تیم ملی ایران با سرویس‌های پرشی و اسپک‌هایش به آزار بهترین دریافت‌کنندگان دنیا می‌رفت و پرش‌های عجیبش باعث می‌شد، کارشناسان بگویند «صابر پرواز می‌کند، نه می‌پرد». در سال ۱۴۰۰ همراه با تیم ملی، قهرمان آسیا شد و عنوان ارزشمندترین بازیکن مسابقات را به دست آورد. در بازی‌های آسیایی ۲۰۱۸ و ۲۰۲۲ نیز با تیم ملی طلای آسیا را جشن گرفت. او پس از درخشش در لیگ ایران، تجربه حضور در لیگ‌های کویت، اندونزی و ترکیه را پیدا کرد و سرانجام در تابستان ۱۴۰۴ به الریان قطر پیوست.

اما مسیر او همیشه هموار نبود. تابستان ۱۴۰۳ کمیته انضباطی فدراسیون والیبال به‌دلیل عدم حضور در اردوی تیم ملی، حکم سنگین دو سال محرومیت از حضور در همه مسابقات داخلی و خارجی برایش صادر کرد. رسانه‌ها نوشتند از او خواسته بودند یا دو سال محروم شود یا دو میلیارد تومان به توسعه والیبال گلستان بپردازد. تقوی حتی گفته بود «بودن و نبودن این بازیکن در باشگاه‌های کشورهای حاشیهٔ خلیج فارس چه فایده‌ای برای والیبال ما دارد؟» به دلیل همین حکم، کاظمی برای ادامه فعالیت به باشگاه‌های خارجی رفت. چند ماه بعد با وساطت فرهاد قائمی و مشارکت کاظمی در یک پروژه فرهنگی، حکم محرومیتش لغو شد. او همراه قائمی به بندرعباس سفر کرد تا زمین والیبال ساحلی بسازد و از این طریق شرایط مصالحه فراهم شد. اما خاطرات تلخ آن محرومیت و حاشیه‌های رسانه‌ای بر روحیه‌اش سایه انداخت.

بسیاری از اهالی والیبال معتقدند، زنجیره‌ای از بی‌توجهی‌ها و تصمیم‌های عجولانه، استعداد او را تحت فشار گذاشت؛ تا جایی که در نهایت سر از لیگ قطر درآورد و با حادثه‌ای رموز روبه‌رو شد. تا لحظه انتشار این گزارش، صابر کاظمی در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان پیامبران بستری و تنها با کمک دستگاه نفس می‌کشید. عملکرد کلبه‌های او مختل شده و دیالیز نتیجه‌ای نداده است. تصمیم‌گیری درباره ادامه درمان بر عهده خانواده و تیم پزشکی است و همه منتظرند تا شاید معجزه‌ای رخ دهد. از نظر پزشکی، امید به بازگشت هوشیاری او نزدیک به صفر ارزیابی شده است اما قلبی که هنوز می‌تپد، هزاران دل را به تپش انداخته است. سرنوشت غم‌انگیز صابر کاظمی یادآور این است که در پس فروغ ستاره‌ها، انسان‌های آسیب‌پذیری قرار دارند. مسیر او از پس‌رکی چپ‌دست و خجالتی در گنبد کاووس تا قهرمان آسیا سپس بیمار روی تخت بیمارستان، قصه‌ای از استعداد، سخت‌کوشی، بی‌مهری، خطاهای مدیریتی و در نهایت حادثه‌ای رازآلود است. امروز جامعه والیبال ایران یکدل شده و برای بازگشت او دعا می‌کند. در عین حال این ترازوی باید‌تلنگری باشد برای مسئولان تا امنیت ورزشکاران را جدی‌تر بگیرند، تصمیم‌های انضباطی معقول‌تر اتخاذ کنند و به جای قربانی کردن استعدادها از آنها حمایت کنند. اگر معجزه‌ای رخ دهد و صابر دوباره روی پا بایستد، بی‌شک این تجربه به سرمایه‌ای برای اصلاح ساختارها تبدیل خواهد شد؛ و اگر نه، یاد و نام او در خاطر ایرانیان با پروازهای بلندش بر تور و لیخدنی که به دل‌ها امید می‌بخشید، زنده خواهد ماند.

همین دلیل با دستور شورای عالی فضای مجازی مسدود مانده است. نتیجهٔ این سیاست، عقب ماندن از فناوری‌های روز و از دست رفتن فرصت‌های بهبود کیفیت است. علاوه بر این، سیاست «اینترنت طبقاتی» یا دسترسی متفاوت برای گروه‌های خاص مورد انتقاد شدید قرار گرفته است. گزارش پنجم کیفیت اینترنت توضیح می‌دهد که روند اجرای این سیاست به شکل چرخهٔ معیوبی تکرار می‌شود: ابتدا سیاست محدودیت سراسری اجرا می‌شود سپس مردم با VPN مقاومت می‌کنند و این مقاومت مشکلات امنیتی و اقتصادی ایجاد می‌کند و در نهایت دولت فقط دسترسی برخی گروه‌ها را آزاد می‌کند. این رویکرد نابرابر بی‌اعتمادی عمومی را تشدید می‌کند و بر-خلاف وعده‌های «اقتصاد دیجیتال ۱۰ درصدی در GDP» عمل می‌کند.

بهباه امنیت و واقعیت حملات سایبری

وزیر ارتباطات ادعا کرده، حملات سایبری از داخل کشور انجام می‌شود زیرا فیلترشکن‌ها شبکه را آلوده کرده‌اند. اما آیا فیلترینگ باعث کاهش حملات می‌شود؟ گزارش‌ها می‌گویند که در جریان جنگ بیش از ۲۰ هزار حملهٔ سایبری رخ داد و بسیاری از آنها توسط گروه‌های خارجی صورت گرفته‌اند. حتی برخی گزارش‌ها از هک بانک‌ها و سرقت ۹۰ میلیون دلار دارایی دیجیتال خبر می‌دهند. این حملات نشان می‌دهد دشمنان توانسته‌اند با وجود فیلترینگ به سیستم‌های حساس نفوذ کنند؛ بنابراین ریشهٔ مشکل در زیرساخت‌های آسیب‌پذیر و نبود شفافیت امنیتی است نه استفادهٔ مردم از VPN. گزارش‌ها یادآوری می‌کنند که فیلترینگ به جای محافظت از امنیت، کاربران را به سمت VPN سوق داده و همین موضوع آلودگی شبکه را افزایش داده است. اگر سیاست‌گذاران به جای مسئول‌سازی کاربران، تمرکز خود را بر تقویت زیرساخت‌ها و پذیرش دسترسی آزاد قرار دهند، تهدیدها کاهش می‌یابد. واقعیت این است که فیلترینگ گسترده، مسدود کردن پروتکل‌های نوین و ایجاد «اینترنت طبقاتی» نه تنها امنیت نمی‌آورد بلکه به کاهش کیفیت شبکه، زیان اقتصادی، فرسایش اعتماد عمومی و افزایش آلودگی شبکه می‌انجامد.

گزارش ویژه

راه‌اندازی و ارتقای

۴۰۰سایت ارتباطی همراه اول

همزمان با سفر وزیر ارتباطات به استان آذربایجان شرقی همراه اول از پروژه‌های ارتباطی خود در این استان رونمایی کرد. به گزارش مرکز ارتباطات، توسعه برزند و رویدادهای بین‌المللی همراه اول، آیین افتتاح پروژه‌های ارتباطی استان آذربایجان شرقی روز شنبه ۱۰ آبان ۱۴۰۴ با حضور سیدستار هاشمی وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، بهرام سرمست استاندار و جمعی از نمایندگان این استان در مجلس شورای اسلامی، نمایندگان اپراتورهای ارتباطی، مدیران و مسئولان استانی و خبرنگاران در استانداری آذربایجان شرقی برگزار شد. در این مراسم، سایت ۴G روستای «نسرور» از توابع شهرستان هرس و سایت ۵G مرکز مخابرات آیت‌الله طالقانی شهر تبریز به نمایندگی از پروژه‌های ارتباطی همراه اول و با دستور وزیر ارتباطات راه‌اندازی و وارد شبکه ارتباطی کشور شد. رضا کاظمی، معاون فناوری اطلاعات و ارتباطات همراه اول در سخنانی سایت‌های شبکه اپراتور اول تلفن همراه کشور در آذربایجان شرقی را بالغ بر یک‌هزار و ۸۰۰ سایت برشمرد که بیش از نیمی از این تعداد، سایت‌های روستایی است.

وی افزود: از ابتدای دولت چهاردهم نیز همراه اول در بخش طرح‌های USO ۵۰ سایت جدید راه‌اندازی کرده و حدود ۱۰۰ سایت نیز به تکنولوژی‌های جدید ارتباطی ارتقا یافته و در مجموع ۱۶۰ روستا را تحت پوشش قرار داده‌ایم. همچنین از مجموع تعهدات یک‌ساله همراه اول در استان بیش از نیمی انجام شده و در بعضی از مناطق نظیر بازار تبریز، نیازمند همکاری دستگاه‌های استانی برای تسریع توسعه شبکه و ایجاد پوشش باکیفیت هستیم. سیدستار هاشمی در بخشی از این مراسم با اشاره به تحقق ۷۰ درصدی مصوبات جلسه قبلی با استاندار آذربایجان شرقی ابراز امیدواری کرد که سایر مصوبات نیز در ماه‌های آتی اجرایی شود. وی عنوان کرد: در بحث مهم کیفیت شبکه ارتباطی دو محور مهم توسعه ۵G و فیبر نوری را دنبال می‌کنیم که در این خصوص، واگذاری باند فرکانسی ۵G به اپراتورها انجام شده و امیدواریم با همکاری استان در توسعه فیبر نوری، اتفاق مثبتی در ارتقای کیفیت شبکه در استان رقم بزنیم. وی خاطرنشان کرد: تا پایان برنامه هفتم، تکلیف اتصال تمام روستاهای بالای ۲۰ خانوار به اینترنت روستایی بر عهده وزارت ارتباطات گذاشته شده و در انجام این تکلیف به دنبال ارائه آماری نیستیم که مورد تأیید مردم نباشد.

گفتنی است در سفر وزیر ارتباطات به استان آذربایجان شرقی ۷۱۰ پروژه ارتباطی به ارزش بیش از ۳.۳ همت افتتاح و راه‌اندازی شد. همچنین در این سفر ۱۸۳ روستا به اینترنت پرسرعت متصل و با راه‌اندازی و ارتقای ۳۸۰ سایت BTS گره ارتباطی بسیاری از نقاط شهری از جمله ورزشگاه یادگار امام باز شد.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقتناعی

مدیر هنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آرین‌فر • حروفچین: مریم شهسوارزاده • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

گزارش ویژه

توزیع بسته‌های نوشت‌افزار بین دانش‌آموزان کم‌برخوردار استان کرمانشاه

با همکاری شرکت ملی نفت ایران و کمیته امداد امام خمینی (ره) بسته‌های نوشت‌افزار بین دانش‌آموزان نیازمند و کم‌برخوردار استان کرمانشاه توزیع شد. به گزارش خبرنگار پایگاه اطلاع‌رسانی شرکت نفت مناطق مرکزی ایران، شرکت بهره‌برداری نفت و گاز غرب به نمایندگی از شرکت ملی نفت ایران و در آستانه سال تحصیلی جدید ۹۰۰ بسته نوشت‌افزار را جهت توزیع میان دانش‌آموزان کم‌برخوردار از طریق کمیته امداد امام خمینی (ره) در روستاها و عشایر همجوار مناطق عملیاتی تابعه شرکت در استان کرمانشاه اهدا کرد. در مراسمی که به همین مناسبت با حضور مدیران و رؤسا، شرکت بهره‌برداری نفت و گاز غرب و مسئولان کمیته امداد امام خمینی (ره) استان کرمانشاه برگزار شد، تعدادی از بسته‌های تهیه شده، توزیع گردید. براساس برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته، مقرر است بسته‌های نوشت‌افزار در روستاها و عشایر همجوار مناطق عملیاتی تابعه شرکت بهره‌برداری نفت و گاز غرب در استان کرمانشاه شامل مناطق عملیاتی تابعه و نواحی (گیلانغرب، قصرشیرین، سرپل ذهاب، سومار و نفت‌شهر) اهدا شود. لازم به ذکر است، شرکت ملی نفت ایران در راستای عمل به مسئولیت‌های اجتماعی و اقدامات عام‌المنفعه خود در صنعت نفت و توجه ویژه در فراهم آوردن زمینه‌های مناسب تحصیل دانش‌آموزان در مناطق کم‌برخوردار، اقدام به توزیع بسته‌های نوشت‌افزار در بین دانش‌آموزان نیازمند از طریق کمیته امداد امام خمینی (ره) در روستاها و عشایر همجوار مناطق عملیاتی شرکت‌های تابعه خود می‌کند و در همین راستا ۴۵ هزار بسته نوشت‌افزار و اقلام مورد نیاز تحصیلی میان دانش‌آموزان تحت حمایت کمیته امداد توزیع شد. این اقدام در جهت تقویت فرهنگ همدلی و پشتیبانی از دانش‌آموزان نیازمند انجام گرفته و نشانگر اهتمام شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های تابعه به ایفای نقش مؤثر در توسعه اجتماعی و فرهنگی مناطق هم‌چوار است.

دیدار مدیرعامل شرکت گاز استان گلستان با دادستان کل

مدیرعامل شرکت گاز استان گلستان و هیات همراه با حضور در محل دادستانی کل با دادستان استان دیدار و گفت‌وگو کردند. این نشست با هدف تقویت تعاملات سازمانی و جلب حمایت‌های قانونی برای پیشبرد پروژه‌های شرکت برگزار شد. به گزارش روابط عمومی، مدیرعامل شرکت گاز ضمن تبریک انتصاب شایسته دادستان بر ضرورت افزایش سطح تعاملات و همکاری‌های مؤثر میان دو دستگاه برای تسریع در انجام امور تأکید کرد. در این دیدار، مدیرعامل شرکت گاز گزارشی تفصیلی از اقدامات انجام شده در سطح استان ارائه داد و خواستار تعامل و همکاری ویژه دادستانی در دو حوزه کلیدی مدیریت ناترازی گاز و تسریع در وصول مطالبات معوق شد. ایشان همچنین درخواست‌هایی درخصوص تسریع در صدور مجوزهای لازم برای پروژه‌های توسعه‌ای در مناطق محروم، گازرسانی به نقاط جمعیتی خارج از بافت، پروژه‌های محرومیت‌زدایی، منطقه آزاد و پتروشیمی همچنین اعمال قانون قاطعانه در زمینه وصول مطالبات معوق مطرح کرد. دادستان استان ضمن خوشامدگویی با اشاره به خدمات گسترده نظام جمهوری اسلامی ایران در طول ۴۷ سال گذشته، به ویژه به اقشار آسیب‌پذیر جامعه، بر رویکرد عدالت‌محور تأکید کرد. دادستان اظهار کرد: «تعرفه‌های اعلامی باید با نگاه به قشر ضعیف جامعه برنامه‌ریزی شود و توسعه گازرسانی در مناطق ضعیف و محروم در اولویت قرار گیرد». وی با تأکید بر افزایش سطح همکاری‌ها در جهت تسهیل امور شرکت گاز قول مساعد داد و افزود: «جهت همکاری و کمک به شرکت گاز، لیست صنایع و مناطقی که در زمینه صدور مجوزها یا سایر مسائل قانونی با مشکل مواجه هستند برای دادستانی ارسال شود تا اقدامات لازم برنامه‌ریزی و اجرا شود». همچنین دادستان تأکید کرد که در فصل سرد سال و در زمان افت احتمالی فشار گاز، تدابیر لازم باید با درایت اتخاذ تا کمترین هزینه و تبعات متوجه مردم شود.

فراخوان آگهی مناقصه دو نوبته



سازمان پارکها و فضای سبز شهرداری قزوین به نظر دارد، به استناد مجوز شورای محترم اسلامی شهر قزوین به شماره۳۸/۳۰۴/۱۴۰۴/۲۲ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۹ **پروژه حفظ و نگهداری فضای سبز سطح شهر قزوین سال ۱۴۰۴-۱۴۰۵ مجموعه کاج** را به شرکت های واجد صلاحیت (دارای رتبه ۱ تا ۵ در رشته کشاورزی و فضای سبز یا رتبه ۱ تا ۷ وزارت تعاون ، کار و امور اجتماعی) واگذار نماید. لذا متقاضیان میتوانند جهت اطلاع از شرایط و دریافت اسناد مناقصه به آدرس اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه و اسناد مذکور را دریافت نمایند.

- برگزاری مناقصه صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (www.setadiran.ir) میباشد و به صورت مناقصه عمومی با شرکت‌های دارای صلاحیت قید شده در اسناد مناقصه و مناقصه گرانی که در مرحله ارزیابی کیفی پذیرفته شده باشند اقدام می‌گردد. پاکت‌های استعلام ارزیابی، الف، ب و ج می‌بایست در سامانه بارگذاری شده و اصل سپرده شرکت در مناقصه (پاکت الف) به میزان مندرج در اسناد به دبیرخانه سازمان تحویل گردد.
- مناقصه‌گران ابتدا ارزیابی کیفی شده و در صورت پذیرفته شدن در فرآیند ارزیابی، نسبت به بازگشایی پاکت‌های الف، ب و ج آن‌ها اقدام خواهد شد.
- تضمین شرکت در مناقصه: ۱۰,۴۶۶,۱۲۷,۸۸۳ ریال می باشد
- تاریخ انتشار آگهی (دو نوبت در روزنامه کثیرالانتشار) در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (www.setadiran.ir) ۱۴۰۴/۰۸/۱۰ و ۱۴۰۴/۰۸/۱۱ می‌باشد.
- ضمناً هزینه انتشار آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

آدرس: قزوین خیابان بوعلی غربی تقاطع نواب تلفن: ۰۲۸-۳۳۲۲۷۰۰۶

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۱۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۱۱

محمد صالح صالحی – مدیر عامل



شرکت توزیع نیروی برق استان یزد

شرکت توزیع نیروی برق استان یزد در نظر دارد اجرای پروژه مشروحه ذیل را از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید لذا متقاضیان شرکت در مناقصه می توانند از **تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۰ لغایت ۱۴۰۴/۰۸/۱۴** از طریق سامانه ستاد ایران به آدرس www.setadiran.ir نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند و پیشنهادات خود را با توجه به مندرجات دفترچه مناقصه ظرف مهلت مقرر در جدول زیر در **سامانه ستاد ایران بارگذاری** نمایند و ضمناً پاکت الف مناقصه را به دبیرخانه این شرکت تحویل نمایند. ضمناً به پیشنهادهای تحویل داده شده بعد از انقضای مدت و بارگذاری نشده در سامانه، ترتیب اثر داده نخواهد شد. کارفرما نسبت به رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار است .

شماره فراخوان مناقصه در سامانه ستاد: ۲۰۰۴۰۰۵۰۶۶۰۰۰۰۵۲					
ردیف	شماره مناقصه	شرح مناقصه	تضمین شرکت در مناقصه (ریال)	نوع ضمانتنامه	زمان تحویل پاکت‌ها
۱	۱۴۰۴/۱۲۷/۲	اجرای پروژه توسعه و نگهداری شبکه برق روستایی شهرستان یزد (روستای اکرمیه و عسکریه) شرکت توزیع نیروی برق استان یزد ۱۴۰۴	۲,۲۵۹,۹۱۲,۰۰۰	۱- ضمانت نامه بانکی ۲- فیش واریز وجه نقد ۳- از محل مطالبات	ساعت ۱۰:۳۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۶

۱- مدت اجرا: دو ماه

۲- به پیشنهادات مشروط، مخدوش و فاقد سپرده و پیشنهاداتی که بعد از موعد مقرر ارسال گردد ترتیب اثر داده نخواهد شد .

۳- داوطلبان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن : ۰۳۵-۳۶۲۴۸۹۸۹ امور تدارکات و ۳۱۶۷۲۳۱۳ امور مهندسی و نظارت تماس حاصل نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۱۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۱۱

شرکت توزیع نیروی برق استان یزد



وزارت نیرو
شرکت برق منطقه‌ای فارس

«آگهی فراخوان مشاوره به روش QCBS»

شرکت برق منطقه‌ای فارس (به عنوان کارفرما) در نظر دارد به استناد آیین‌نامه خرید خدمات مشاوره، انجام تست نفوذپذیری **Black Box** طی دو مرحله بصورت Internal و External بر روی تعداد ۴۰ عدد از IPهای منتخب به شماره مرجع ۱۵۴۱۴-۱۴۰۴ را از طریق پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات (www.iets.mporg.ir) به مشاوران صلاحیت دار و توانمند دارای مجوز افتا معتبر در حوزه خدمات عملیاتی افتا شامل «آزمون و ارزیابی امنیتی» واگذار نماید. لذا مشاوران صلاحیت دار در زمینه موضوع مذکور می توانند جهت اخذ اسناد به ترتیب اطلاعات زمانی ذکر شده در ذیل به سایت مذکور قسمت فراخوان مراجعه و اسناد مربوطه را دریافت و پس از تکمیل، همراه با اسناد و مدارک خواسته شده به این شرکت ارسال نمایند.

اطلاعات به شرح ذیل می‌باشد:

۱- **تاریخ اولین انتشار اسناد در پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات:** از ساعت ۸ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۸/۱۱

۲- **آخرین مهلت ارسال اسناد به این شرکت:** تا ساعت ۱۳ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۸/۲۷

۳- **تاریخ گشایش پاکات استعلام:** ساعت ۱۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۸/۲۸

۴- **مدت اعتبار پیشنهاده‌ها:** پیشنهاده‌ها باید از هر حیث برای مدت ۹۰ روز بعد از تاریخ تعیین شده برای تسلیم پیشنهاده‌ها معتبر باشند و این مدت برای ۹۰ روز دیگر قابل تمدید می باشد.

۵- **نشانی این شرکت جهت ارسال پاکتهای «ب» و «ج»:** شیراز -خیابان زند - نبش خیابان فلسطین - شرکت برق منطقه ای فارس - دبیرخانه مرکزی (تذکر مهم، ارسال پاکت «ب» به صورت CD «و «ج» (برگ پیشنهاد قیمت موجود در اسناد به صورت فیزیکی به صورت لاک و مهر شده الزامی است)

۶- **محل بازگشایی پاکات:** شیراز، خیابان زند، نبش خیابان فلسطین، شرکت برق منطقه ای فارس، امور تدارکات و قرارداده‌ها

۷- به پیشنهادهای فاقد امضا، مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از انقضای مدت مقرر واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

ضمناً در صورت نیاز به اطلاعات تکمیلی می توانید در خصوص سوالات فنی با شماره تلفن ۰۷۱۳۲۱۴۲۱۵۱ آقای گل‌ساز شیرازی و درخصوص سوالات بازرگانی با شماره تلفن ۰۷۱۳۲۱۴۲۱۶۱ آقای رجبی تماس حاصل فرمایید.

شرکت برق منطقه ای فارس